

کمیسر ارشد اداره جنایی فدرال آلمان: جنایت برلین تروریسم دولتی است

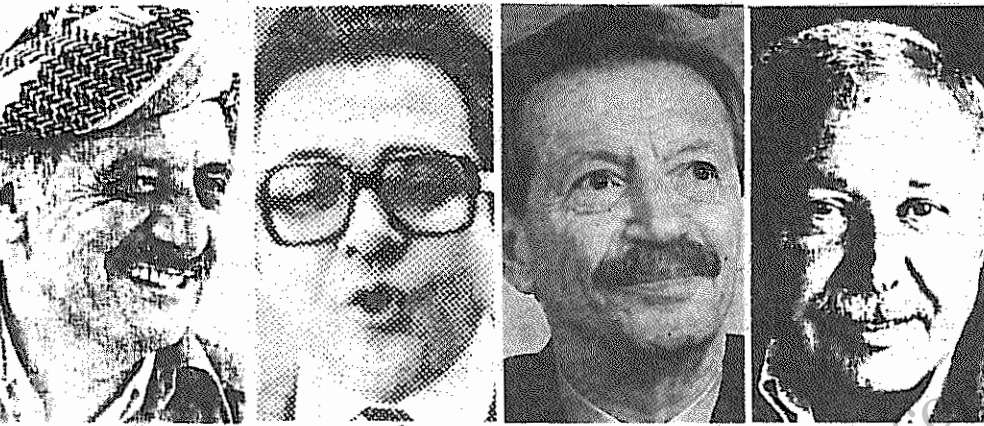
رسیدگی به پرونده متهمان قتل دکتر شرفکنندی و همراهان او در دادگاه ایالتی برلین ادامه دارد. در جلسات روزهای ۲۰ و ۲۱ ژانویه دادگاه "سیمون" کمیسر ارشد اداره جنایی فدرال آلمان در دادگاه حضور یافت و به استیلاهای رئیس دادگاه پاسخ گفت. وی که مسئول پرونده میکونوس از سوی اداره جنایی فدرال آلمان بوده است، گفت از روز بعد از ترور دو تیم، جستجوی متهمان به قتل و رد پای آنها شروع می کنند. روز ۱۵ اکتبر از طرف اداره اطلاعات و امنیت فدرال آلمان به وی اطلاع داده شد که دو نفر مظنون به شرکت در ترور برلین در شهر راینه دیده شده اند. روز ۱۶ اکتبر امین و رایل دستگیری شدند.

رئیس دادگاه می پرسد: آیا می داند که این ورقه (ورقه مربوط به گزارش اداره اطلاعات و امنیت فدرال درباره دو نفر مظنون) در پرونده موجود نیست؟
جواب: آری، و علت آن این است که دفتر صدارت عظمای آلمان بخاطر مسائل امنیتی این ورقه را بیرون آورد و محتوای کلی اطلاعات بدون نکات امنیتی جانشین آن شد.
رئیس دادگاه سپس نامه

هفته نامه دی سایت فاش ساخت: برکناری دادستان سابق آلمان در ارتباط با ترور برلین بود

● پیگیری و سرسختی دادستان آلمان در تعقیب پرونده ترور برلین باعث برکناری وی شد
● روزنامه فرانسوی اکسپرس به نقل از پرونده قتل شاپور بختیار: علی فلاحیان فرمانده مستقیم جنایت بوده است

در حالیکه واکنش و اعتراضات علیه آزادی دو تروریست متهم به قتل دکتر کاظم رجوی از سوی دولت فرانسه ادامه دارد، در آلمان، بموازات ادامه دادگاه متهمان ترور



دکتر قاسملو، دکتر رجوی، دکتر بختیار، دکتر شرفکنندی تا کنون نزدیک به ۶۰ نفر قربانی تروریسم رژیم اسلامی در خارج از کشور شده اند

درباره
تحریف های گمراه کننده
نشریه "مجاهد"
مسئولیت
شما چیز دیگری
است
در صفحه ۳

بود چه سال آینده،
پیش بینی ها و
واقعیت ها
در صفحه ۵

نگره های
زن ستیز حاکمان
در آثار هنری
گویند رمز عشق
مگوئید و مشنویید!
در صفحه ۶

اتحاد علیه تروریسم جمهوری اسلامی

ادامه ترور مخالفان توسط رژیم اسلامی و تحویل دو متهم به شرکت در ترور کاظم رجوی توسط دولت فرانسه، خشم همگان را برانگیخته است. اعتراض نسبت به دولت فرانسه از جانب دولت های سوئیس، آمریکا و انگلیس و مطبوعات معتبر و از جانب برخی از احزاب سیاسی فرانسه و نیروهای اپوزیسیون ایران بالا گرفته است. دولت فرانسه در مقابل این موج اعتراض، جواب قانع کننده ای نداد و افکار عمومی توجیه آن دولت، تحت عنوان "مصالح ملی" را مسخره انگاشته است.

با اقدام دولت فرانسه باریگر قربانی کردن "حقوق بشر" بیای منافع دولت ها و بیم و نگرانی از معامله بر سر "محاکمه برلین" و متهمان به قتل بختیار، الهی و دیگران افزایش یافته است. حکومت اسلامی سالهاست با خون سردی به ترور مخالفین ادامه می دهد و کشورهای غربی در این سالها با لاقیدی تمام نظاره گر این تروریسم مانده و معاملات پرسود اقتصادی با ایران را بر پافشاری بر اجرای "حقوق بشر" ترجیح داده اند. مطبوعات این کشورها نیز تنها به درج خبر این ترورها اکتفا کرده و حتا گزارش سازمانهای بین المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران، ترور مخالفان در خارج از کشور را در عمل مسکوت گذاشته اند. طبیعا در چنین فضای مبارزه علیه تروریسم با زتاب چندانی نمی یابد. رژیم دریافته است در سایه معاملات اقتصادی با دولت های غربی، می توان همچنان به ترور مخالفان در این کشورها ادامه داد.

ترورهای متعدد از جمله دکتر قاسملو در اتریش و کاظم رجوی در سوئیس عکس العمل چندانی توسط این دولت ها بر نیا نگیخت و قاتلین به ایران بدرقه شدند. رژیم اسلامی با این برخورد کشورهای غربی جری تر شده و به ترور بختیار و سپس شرفکنندی و یاران او دست زد. گردانندگان حکومت اسلامی اطمینان یافتند که حتا در صورت پدام افتادن قاتلین، قادر خواهند بود که بر سر آنها با غرب معامله کنند.

رژیم تهران روحیه سوداگرانه غرب را بخوبی می شناسد و به موقع از آن بهره می گیرد. رژیم تاکنون در اشکال مختلف و حتا با تهدیدات و ارباب توانسته است مقاصد شوم خود را پیش ببرد. کشورهای غربی نشان داده اند هر آنجا که پای انتخاب بین منافع اقتصادی و جان اتباع خود در میان باشد، حاضرند به راحتی حقوق بشر و جان مخالفان رژیم اسلامی را قربانی کنند. این برخورد غرب مشوق رژیم اسلامی در تدوام و شدت بخشیدن به ترور مخالفین است.

بعد از ترور بختیار و شرفکنندی، در سایه پیگیری قاضی پروکیرو پلیس آلمان عده ای از قاتلین پدام افتادند. از مدارک بدست آمده و بازجویی از آنها شواهد کافی بدست آمد که سرنخ ترورها در وزارت اطلاعات رژیم اسلامی است. اعتراضات و پیگیریهای نیروهای ادامه در صفحه ۲

صنعت نساجی ایران روبه نابودی است

ترکیه سالانه ۴ میلیارد دلار محصولات نساجی صادراتی کند

ترکیه در ۱۰ ساله ۹۳ میلیارد دلار از ۱۵۱ میلیون دلار از محل صادرات محصولات نساجی و پوشاک درآمد ارزی داشته است. این رقم برای یکسال به بیش از ۴ میلیارد دلار می رسد. خبرگزاری جمهوری اسلامی که این خبر را از آنکارا گزارش کرده است، می افزاید: درآمدهای حاصله از صادرات نساجی ترکیه در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ از ۴/۵ درصد افزایش برخوردار بوده است. بخشی از این محصولات وارد بازار ایران می شود.

صنعت نساجی ایران با آنکه قدمتی بیش از یکصد سال دارد، اما در سایه بی کفایتی مسئولان و با باز بودن درها برای ورود انواع پارچه های خارجی روبه نابودی گذاشته است. اکنون ترکیه، پاکستان و چین و ژاپن بازار محصولات نساجی ایران را اشغال کرده اند. بعنوان مثال کارخانجات نساجی چیت ری که یکی از واحدهای بزرگ تولید پارچه است، در اثر واردات بی رویه پارچه های خارجی با مشکل جدی فروش محصولات خود روبروست و در آستانه ورشکستگی قرار دارد. این کارخانه در سال گذشته بیش از ۵ میلیارد ریال ضرر داشته و در حال حاضر ۱۲ میلیارد ریال به بانکها بدهکار است.

روزنامه های تهران از قول مسئولین صنعت نساجی می نویسند: در چند سال اخیر سیل پارچه های خارجی که اکثر آنها در کشورهای مانند هندوستان، چین و پاکستان تولید می شوند، به سوی بازارهای داخلی ایران سرازیر شده است که این امر سبب گردیده تا

فروش تولیدات نساجی در بازارهای داخلی ایران با رکود سختی مواجه شود. این مسئولین می افزایند: مشخص نبودن سیاستهای حمایتی دولت از این صنعت، بالا بودن هزینه، قدیمی و فرسوده بودن ماشین آلات وعدم وجود نقدینگی در جامعه جهت خرید تولیدات از مهمترین مشکلات بخش نساجی است. به نوشته روزنامه های تهران سالانه بیش از ۲ میلیارد متر انواع پارچه های خارجی از طریق گمرکات و با بطور قاچاق وارد کشور می شود. صنایع نساجی ایران که به دلیل مشکلات یاد شده از توان رقابت با محصولات خارجی برخوردار نیستند، با بحران مالی روبرو بوده و در حال ورشکستگی اند. این در حالی است که تولیدات نساجی جزو اقلام صادراتی مهم کشورهای چون ترکیه و پاکستان است. گفته می شود درآمد پاکستان از بیات تولیدات نساجی نزدیک به درآمدی است که ایران در حال حاضر از فروش نفت بدست می آورد.

بر اثر فشارهای بین المللی رژیم مهدی دبیاج را آزاد کرد

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال اعتراض سازمان های بشردوستانه، تعدادی از دولت های اروپایی و همچنین پاد میانی پاپ حکم اعدام مهدی دبیاج مسلمان زاده ای که در ۱۹ سالگی به دین مسیحیت گرویده بود را لغو کرد و وی را موقفا آزاد نمود. در عین حال سفارت جمهوری اسلامی در واتیکان خبر محکومیت اعدام دبیاج را به خاطر گرایش به مسیحیت و توهین به امام و پیامبر اسلام تکذیب کرد و به زندانی بودن وی از سال ۱۹۸۶ تا کنون به خاطر اتهامات ذکر شده اشاره نکرد. دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز در این رابطه مجبور به انتشار اطلاعیه ای شد. در این اطلاعیه هم صدور حکم اعدام برای مهدی دبیاج تکذیب شده و از قول مقامات قضایی رژیم نقل شده که وی آزاد شده است و پرونده او هنوز در دست بررسی است.

دستگیری گروهی از مقامات شرکت نفت

گروهی از مقامات بلند پایه شرکت ملی نفت ایران به اتهام دزدی و رشوه و دریافت کمیسیون های کلان از قراردادهای خارجی دستگیر شدند. مدیر اداره کل حفاری شرکت نفت و معاون فنی رئیس کل مناطق نفت خیز و مسئولان چند اداره کل دیگر این شرکت نیز از جمله دستگیر شدگان هستند. گفته می شود که شمار دیگری از مسئولان

جمهوری اسلامی از جمله حجت الاسلام حسن امینیان سفیر رژیم در امارات متحده عربی نیز در معرض بازداشت می باشند. جزئیات و چگونگی این رشوه خوارها هنوز فاش نشده ولی بنظر می رسد که رقم های اختلاس بسیار بالا می باشد بطوری که به گفته یکی از بازداشت شدگان تنها سهم سفیر رژیم در امارات چندین میلیون دلار بوده است.

در این شماره

مسعود رجوی کیست؟

در صفحه ۷

باردیگر از باورها درباره شاه و سلطنت

در صفحه ۸

یک اقدام تروریستی دیگر

روز دوشنبه ۱۷ ژانویه هنگامی که کامران هدایتی بسته پستی خود را باز کرد بسته منفجر شد. در اثر این انفجار کامران هدایتی بشدت از ناحیه دو چشم و دست هایش زخمی شده است. هدایتی ۴۴ ساله که مدتی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بوده است و در صفحه ۴

یادداشت

رفسنجانی آب درهاون می کوبد

وخت بی سابقه اوضاع اقتصادی کشور و بحران افزایش یابنده آن چنان جلوه ای یافته است که از هیچ دیده ای پنهان نیست. مادر سرفاله ها و نوشته های شماره های اخیر به تحلیل بن بست پر داخته ایم که مشخصه وضعیت اجتماعی - اقتصادی - سیاسی کشور است.

شدت این بحران از جمله با توجه به آخرین تدبیر سران رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با آن مشخص می شود. این تدبیر تلاش برای هر چه فشرده تر کردن صرف در "بالا" برای حفظ وادافه "حیات نظام" است. انعکاس این تدبیر در تصمیمات حکومت به ویژه در مناسبت پیش آمده در نتیجه مرگ آیت الله گلپایگانی عیان است. حکومتگران با توافق بر سر جمعیت ارکانی حمایت متقابل خامنه ای و هاشمی رفسنجانی از یکدیگر، به تصمیم خود جلوه عملی سیاسی بخشیدند.

در پی این توافق، رفسنجانی با احساسی از پشتیبانی در خطبه دوم نماز جمعه روز ۱۷ دی (۸ ژانویه) باردیگر حکومتیان را فراخواند که از انتشار آمار و ارقام "کذب" که جز زیان حاصلی برای نظام اسلامی ندارد، خودداری کنند. وی که پس از مدتها سکوت و در فضای حملات بی سابقه به دولت سخن می گفت، همه مهارت خود را بکار گرفت تا احساس عمومی ناامیدی و سرخوردگی از سیاستهای دولت را از بین ببرد. رفسنجانی به نقل از خامنه ای دل سرد کردن مردم را گناهی کبیره خواند. وی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مسئولان و به ویژه از رسانه های عمومی خرده گرفت که با نقل آمار و ارقام کذب مردم را "بر خلاف" دل سرد می کنند. وی آنان را فراخواند که نه به "نقل منفی" واقعیات بلکه به "نقل مثبت" آن ها بپردازند. رفسنجانی با اشاره به سخنان منتقدین دولت گفت، گاهی احساس می کنند افرادی رند و شیطان خودشان را به تریبون ها و قلم ها نزدیک می کنند و ارقام اشتباهی را مطرح می کنند. رئیس جمهوری اسلامی با دفاع از برنامه های تعدیل و تثبیت اقتصادی و ارائه آمار غلط و ناقص مدعی شد که اقتصاد مملکت روبه رشد است، گره وابستگی به نفت تا مقدار زیادی حل شده و گره در کشور "بحمد الله" نیست. وی گفت گرچه تقاضای موجودند، ولی اساسی نیستند و به نقل از خامنه ای افزود که به هر حال وضع زندگی مردم ایران بهتر از همسایگان و مردم دیگر کشورهای در حال توسعه است.

نکته مرکزی سخنان رفسنجانی آن بود که با توجه به وضع فاجعه بار اقتصادی - اجتماعی کشور به نیروهای حکومتی نسبت به حساسیت اوضاع هشدار دهد و این واقعیت را به آنان بفهماند که انتقادات تند و تیز و انتشار آمار و ارقام اقتصادی که امروزه تنها بعد منفی دارند، جز زیان حاصلی برای هیچ یک از جناح های حکومتی ندارد. او از حکومتیان خواست که حساسیت اوضاع را دریابند و زبان در کام فرو برند.

از سوی دیگر رفسنجانی کوشید تا با کتمان اساس واقعیات اقتصادی کشور و کرباره ای آمار و ارقام دروغ و ناقص اثرات ناشی از دروازه های اسفناک اقتصادی به خارج از حرم حکومت را خشن کند و مردم را به آینده ای که هیچ نشانه امید بخشی در آن وجود ندارد، امیدوار سازد.

مثل روز روشن است که هر دو نیت رئیس جمهور نقش بر آب خواهد شد. او نخواهد توانست منتقدین خود را از گفتن باز دارد و نخواهد توانست سیاه را برای مردم سفید جلوه دهد. هر دو وی این کارها ناشدنی است. شکست برنامه تعدیل اقتصادی - سرنوشته که در انتظار برنامه پنج ساله دوم موسوم به برنامه تثبیت اقتصادی نیز هست، بیش از ۲۰ میلیارد دلار بدهی خارجی، کسری عظیم بودجه، وضعیت اسفناک تولیدات داخلی، عدم مدیریت کارشناسانه اقتصاد، هر چه خالی تر شدن جیب و سفره لایه های پائینی و متوسط جامعه به سود مشتاقان دلال و تجار بازاری و واقعیاتی از این قبیل گرچه هیچ گاه در سخنان رفسنجانی انعکاس نیافته اند، ولی واقعیاتی اند و چنان حیات روزمره مردم را تحت جنبه خود گرفته اند، که نادیده گرفتن آن ها ناممکن است.

هیچ کس گول این سخن را نیز نخواهد خورد که وضع زندگی در ایران بهتر از وضع زندگی در کشورهای همسایه و سایر کشورهای در حال توسعه است. امروزه نه تنها وضع زندگی در ایران از وضع زندگی در بسیاری از کشورهای جهان سوم بهتر نیست، بلکه بسیاری از آن ها شرایطی بهتر از ایران برای زندگی دارند.

میهن مانیا ز منید در پیش گرفتن سیاستی تخصصی و منطبق با منافع مردم و کشور در جهت رفع کمبودها و برآوردن نیازهای حیاتی جامعه است. ولی پرواضح است چنان که مقتضی خوی تاریک اندیشان ندانم کار و مستبد حاکم بر میهن مان است، آن ها نه این راه، بلکه راه تلاش در جهت سرپوش گذاشتن برواقیات بد را برگزیده اند. سخنان رفسنجانی نمی تواند واقعیت بحران عظیم و فاجعه بار اقتصادی را عوض کند اما می تواند یکبار دیگر این نکته را به اثبات برساند که در همچنان برپا شده سابق می چرخد و رئیس حکومت اسلامی قصد ندارد هیچ تغییری در سیاستهای دولتش بدهد.

جشن

بیست و سومین سالگرد جنبش فدائیان خلق

سوگند استکھلم

برنامه های جشن:

موسیقی ایرانی، رقص های محلی، موسیقی کردی
برنامه مخصوص کودکان و شام

زمان: شنبه ۱۲ فوریه ۵/۳۰ تا ۱۰/۳۰ بعد از ظهر

مکان: Tånsta träff...Stockholm

اتحاد علیه تروریسم

ادامه از صفحه ۱

آزاد بخواه در این کشورها، کشمکش های درونی در بین این دولت ها، افشاگری های برخی مطبوعات غربی و فعالیت نیروهای اپوزیسیون ایرانی موجب گردید که موضوع ترورها بالا گیرد و وسیعاً در سطح جهانی بازتاب پیدا کند. در این رابطه البته سناسنت دولت آمریکا نسبت به حکومت تهران نیز نقش داشته است. آمریکا که از تحولات درونی جمهوری اسلامی ناامید است هر آنجا که دولت های اروپای غربی اقداماتی در جهت خواست رژیم انجام می دهند، به اعتراض بر می خیزد.

این مجموعه عوامل موجب شده است که سیاست ترور مخالفان به یک معضل جدی در رابطه کشورهای غربی با رژیم تهران تبدیل شود. اکنون زد و بند کشورهای غربی با رژیم اسلامی با موج اعتراضات گسترده به می شود و گاه به تشنج بین دولت ها می انجامد. اعتراضات گسترده به پذیرش فلاحیان توسط دولت آلمان و آزادی تروریست ها توسط فرانسه و محکوم کردن رژیم اسلامی در مجمع سازمان ملل از جمله بخاطر ترور مخالفان نشان داد که وضعیت نسبت به گذشته تغییر کرده و کشورهای که به معامله با سازمان دهندگان ترور دست می زنند باید موج انتقادها و خشم افکار عمومی را پذیرا شوند.

با این وجود بیشتر دولت های اروپای غربی همچنان پای معامله با رژیم تروریست حاکم بر ایران می نشینند و قاتلین را خلاف تمام مقررات بین المللی به رژیم تهران تحویل می دهند.

گردانندگان حکومت در صددند که نگذارند در سه کشور اروپای یعنی آلمان، فرانسه و سوئیس در پی همدیگر بعنوان یک رژیم تروریست به محاکمه کشیده شوند. آنان با معامله با دولت فرانسه، محاکمه سوئیس را منتفی کردند و تلاش می کنند که دادگاه برلین به محکومیت رژیم نیانجام دهد و دادگاه قاتلین بختیار و الهی در پاریس برگزار نشود و یا دست کم سرتوته آن بی صدا بپیم آید. تلاش های رژیم، واکنش اخیر دولت فرانسه و رفت و آمدهای مرتب بین تهران، پاریس و بین این بیم و نگرانی را شدت بخشیده است که محاکمه متهمان به قتل لوث گردد.

اقدامات تروریستی از جمله ترور یکی از اعضای رهبری حزب

دادستان سابق آلمان در ارتباط با

ادامه از صفحه ۱

سایت در شماره هفتم ژانویه خود طی گزارشی مفصلی زیر عنوان "تجارت با جلا دان ترور مخالفان سیاسی رژیم اسلامی توسط گروه های آدمکش هدایت شده از تهران، و نیز با اشاره به همکاری های امنیتی و اطلاعاتی میان بن و تهران، برای نخستین بار فاش ساخت که بر کناری دادستان کل آلمان در ماه ژوئیه بر خلاف تبلیغاتی که آن روزها بر اه انداخته شد، نه یک مسئله داخلی و مرتبط با کشته شدن بی سبب یکی از اعضای مسلح گروه "فراکسیون ارتش سرخ"، بلکه در دمکرات با ویرانه تروریست و ناشی از پیگیری و سرسختی دادستان در تعقیب پرونده میکونوس و به کرسی اتهام نشانیدن رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

فون اشتال (دادستان برکنار شده آلمان) در کفرخواستی که برای دادگاه برلین تهیه کرده بود، کاظم دارابی را در تماس مستقیم با دولت تهران اعلام کرده و نوشته بود: "کاظم دارابی یکی از جاسوسان وزارت اطلاعات و امنیت ایران است که در تابستان ۹۲ حکم ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران را دریافت و موظف می شود آنها را به هنگام اقامتشان در برلین به قتل برساند و دولت ایران حزب دمکرات کردستان ایران را یک گروهک ضد انقلابی می داند که با آن در خارج از مرزها نیز مبارزه می کند.

با صدور نخستین بیانیه فون اشتال در بهار ۱۹۹۳ که در آن به احتمال دخالت دولت ایران در ترور برلین اشاره شده بود، وزیر دادگستری آلمان (از حزب لیبرال دمکرات) به دادستان هشداری داد که صدور چنین بیانیه هایی باید پس از مشورت با وی انجام بگیرد. وزیر دادگستری پس از این هشدار در یک اقدام بی سابقه پرونده میکونوس را قبل از آنکه تکمیل شود به امضای نهایی دادستان برسد، برای مطالعه طلب کرد، اما دادستان این تقاضا را رد کرد و بدینسان کشمکش میان فون اشتال و وزیر دادگستری بالا گرفت.

مانس مان و... راه نجات جان دکترا دانش ترجیح داده و به موقع راهی تهران شد.

علی فلاحیان فرمانده عملیات قتل بختیار راست

گزارشاتی که در هفته های اخیر در ارتباط با قتل دکتر شاپور بختیار در مطبوعات فرانسه انتشار یافته است نیز نشانگر دست داشتن آشکار برخی از بلندپایگان رژیم اسلامی در این جنایت است. بر اساس گزارش مجله فرانسوی اکسپرس، که متکی بر پرونده ۱۷۷ صفحه ای قتل دکتر شاپور بختیار است، علاوه بر تیم ۳ نفره فریدون بویر احمدی، علی و کیلی راد و محمد آزادی و نیز همکاران دیگر عملیات به نامهای مسعود هندی، حسین شیخ عطار و زین العابدین سرحدی، از علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم بختیار فرمانده عملیات ترور و محمد هاشمی رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی برادر هاشمی رفسنجانی نیز نام برده شده است.

پس از آزادی دوتوروریست متهم به شرکت در قتل دکتر کاظم رجوی و در حالیکه تردیدها درباره آغاز محاکمه و بندوبستهای پشت پرده در مورد پرونده قتل دکتر بختیار جدی شده است، وزیر کشور فرانسه اعلام کرد که آزادی تروریست ها، که با مسئولیت وی صورت گرفت، به منزله لوث کردن پرونده قتل بختیار نیست و این محاکمه انجام خواهد شد. اما این اظهارات شارل پاسکوا وزیر کشور فرانسه نتوانسته است اعتمادهای لازم را برانگیزد. در فرانسه تلاش وسیعی از سوی نیروهای دمکرات صورت می گیرد تا زد و بند های احتمالی در مورد پرونده ترور دکتر بختیار به نتیجه نرسد. از جمله این تلاشها اعلام شکایت یک شاکی خصوصی فرانسوی بنام خانم رود تسکی است. وی در جریان بمب گذاری های ۱۹۸۶ پاریس که به تعقیب وحید گرجی از سوی پلیس فرانسه و پناه بردن وی به سفارت

دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) در ترکیه و ارسال بمب پستی برای یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان در سوئد نشان داد که ترور مخالفان خط مشی روشن جمهوری اسلامی است. بی هیچ تردیدی این رژیم در تدارک قتل های بیشتری است. معامله گری دولت های غرب دست رژیم را برای ادامه جناياتش باز گذاشته است. حتا اگر جریان دادرسی های برلین و پاریس هم به نتیجه برسند و عاملان جنایت ها مجازات و دست داشتن رژیم در این جنایات آشکار و رسماً اعلام گردد، هر چند ضربه ای جدی به رژیم آخوند ها خواهد زد، اما هیچ تضمینی نیست مآشین ترور رژیم حاکم بر ایران از کار با زمانند. بنا بر این تنها چاره برای اپوزیسیون ایرانی، تشدید فعالیت و همکاری و اتحاد عمل گسترده میان آنها برای انجام زدن به تروریسم دولتی حکام تهران است. تنها عاملی که می تواند جلوی معامله گری وزد و بند های پنهانی دولت های اروپایی با رژیم اسلامی را بگیرد و آنها را متوجه مسئولیت در برابر پناهجویان بی دفاع ایرانی در کشورهای اروپایی بکند، قرار گرفتن این دولت ها در مقابل افکار عمومی کشورهایشان است.

اپوزیسیون ایرانی راهی جز این ندارد که از طریق مراجعه به رسانه های همگانی و احزاب و سازمانها و نیز مجامع و نهاد های بین المللی مخالف تروریسم و مدافع حقوق بشر به افکار عمومی این کشورها مراجعه کرده و داد خواهی نماید. هر اندازه این کار گسترده تر و در چهار چوب تصمیمات مشترک و هم آهنگ میان احزاب، سازمانها و شخصیتها و فعالین سیاسی ایرانی صورت گیرد به همان اندازه می توان به مهار تروریسم لحام گسیخته رژیم اسلامی امیدوار بود.

اجرای عدالت در دادگاه های که به منظور محاکمه قاتلان برپا می شود، قطع مناسبات امتیازی دولت ها با رژیم اسلامی، امتناع این دولت ها از دادن اطلاعات به جمهوری اسلامی در مورد پناهندگان و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون، کنترل فرستادگان گوناگون حکومت اسلامی که به نام دیپلمات به خارج سفر می کنند و بسیاری از آنان تروریستهای حرفه ای هستند، کنترل سفارتخانه های جمهوری اسلامی که مراکز این گونه توطئه ها می باشند، از جمله خواسته های است که می توان از طریق سازمانها و مجامع بین المللی و مطبوعات غربی، در برابر دولت های اروپایی قرارداد. ما از هم اکنون آمادگی خود را برای تنظیم یک اعتراض نامه مشترک از سوی نیروهای اپوزیسیون علیه تروریسم جمهوری اسلامی و به منظور ارائه به کمیسیرای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام می کنیم.

جمهوری اسلامی منجر شد، زخمی شد.

بنا به پیش بینی ها محاکمه متهمان پرونده ترور دکتر بختیار در ماه مارس یا آوریل آغاز خواهد شد.

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان: اعدامها را انکار نمی کنیم!

در حالیکه فشارهای جهانی برای آشکار ساختن دست خونی جمهوری اسلامی در ترور مخالفین خود افزایش یافته است، این رژیم همچنان به اعمال تروریستی و اعدام مخالفین خود ادامه می دهد. بدنبال عملیات تروریستی اخیر حکومت در ترکیه و سوئد، حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، اعدام مخالفین توسط حکومت اسلامی را مورد تأیید قرار داد. وی در مصاحبه ای با هفته نامه دی سایت گفت: "ما اعدام اعضای سازمان مجاهدین خلق را انکار نمی کنیم. منتها ارقامی که این سازمان درباره شماره اعدام شده ها ارائه می دهد، واقعی نیست. فقط کسانی که آدم کشته اند اعلام شده اند.

موسویان هر گونه ارتباط میان سفر علی فلاحیان به آلمان و جریان محاکمه دادگاه برلین را تکذیب کرد و مدعی شد که در مذاکرات فلاحیان و اشמיד با ویرانه سخنی درباره دادگاه میکونوس گفته نشده و این دادگاه ربطی به جمهوری اسلامی ندارد. این در حالی است که اشמיד با ویرانه هفته گذشته اعتراف کرد، یکی از خواسته های فلاحیان گفتگو در مورد دادگاه میکونوس بوده است. وی که به درخواست رئیس دادگاه جنایی برلین در کمیسیون تحقیق این دادگاه حضور یافت تا بطور غیر علنی به موضوع مذاکراتش با علی فلاحیان و کم و کیف اطلاعاتی که پیرامون ترور دکتر شرفکندی و یارانش دارد، توضیح دهد؛ با اشاره به محدودیت هایی که کابینه آلمان برای میزان توضیحات وی تعیین کرده است، بسیاری از پاسخ ها را نا گفته گذاشت. اما وی اعتراف کرد که فلاحیان خواهان گفتگو در مورد دادگاه میکونوس بود، ولی وی (اشמיד با ویرانه) این درخواست را رد کرده است.

نکات تازه درباره ماجرای ایران - کنتر

گزارش کمیته ویژه ی تحقیق در مورد معاملات تسلیحاتی آمریکا موسوم به قضیه ایران کنتر در ۵۶۶ صفحه توسط مسئول آن آقای والش در معرض قضاوت جهانیان قرار گرفت. آقای والش در طی تحقیقات ۷ ساله خود بدین نتیجه رسیده است که ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا دستور فروش اسلحه به ایران را صادر کرده بود و با واریز کردن پول حاصله از این معامله به حساب مخالفان دولت سانديست ها هم موافق بوده و بدین وسیله آقای ریگان راه را برای فعالیت های غیرقانونی همکاران خود هموار کرده بود.

گزارش مذکور بر خلاف میل ریگان و بوش در روز سه شنبه ۹۴/۱/۱۸ منتشر شد. بر طبق این گزارش بوش هم از جریان یاد شده مطلع بوده است، امری که پیوسته آن را انکار می کرد. رونالد ریگان اظهار والش در مورد داشتن نقشی در قضیه ایران - کنتر را بی اساس دانست. آقای والش امکان تعقیب قانونی ریگان و بوش با توسل به گزارش فوق را منتفی دانست زیرا آنها بر مبنای این گزارش کار غیرقانونی انجام ندادند. ریگان با این کار خواسته است ترتیب آزادی گروهانهای اسیر در دست حزب الله را در لبنان بدهد.

همزمان با نشر گزارش فوق خبر دیگری در اروپا انتشار یافت که اشپگل نیز آنرا متعکس کرده است. کارنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در چند سال گذشته صدور انقلاب بهر قیمت بود و اسناد افشاء شده فقط گوشه ای از تلاش هایی را نشان می دهد که حکومتگران انجام می داده اند تا به امکانات مورد نظرشان بمنظور نیل به هدف فوق الذکر، دست یابند.

دیدار رئیس جمهور ترکمنستان از ایران

صفر مراد نیازف رئیس جمهور ترکمنستان همراه با هیئت بلند پایه دولتی شامل هیئت وزیران و بسیاری از مسئولین حکومتی ترکمنستان اوایل ژانویه بمدت پنج روز از ایران دیدن کرد. روز پایانی سفر وی و همراهان، سه سند و تفاهم نامه هایی در مورد همکاریهای دوستانه در زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و مرزی توسط وی و هاشمی رفسنجانی به امضاء رسید.

رئیس جمهور ترکمنستان از سه سند امضاء شده بعنوان اسناد تاریخی یاد کرد. هاشمی رفسنجانی نیز سفر نیازف به ایران را در نوع خود بی نظیر خواند. علاوه بر سه سند ذکر شده در

تصویب برقراری رابطه با آفریقای جنوبی

هیئت دولت جمهوری اسلامی برقراری رابطه دو جانبه با آفریقای جنوبی را تصویب کرد. دولت در توضیح علت این تصمیم گیری به مصوبه ی کنفرانس وحدت آفریقا، درخواست گروههای سیاسی آن کشور بویژه نلسون ماندلا و دولت های خط مقدم جنبه اشاره کرده است. علی اکبر لاریجانی وزیر خارجه ی رژیم در این رابطه اعلام کرد که ایران برای روابط اقتصادی با آفریقای جنوبی پیش از عادی شدن روابط سیاسی اهمیت قابل است. پس از اعلام تصمیم ایران برای از سرگیری رابطه اقتصادی و سیاسی با آفریقای جنوبی از طرف وزارت خارجه آفریقای جنوبی گفته شد که این تصمیم هیچ تأثیری بر سیاست

جنایت برلین تروریسم...

آنجای بودند. حیدر با یک ساک به طرف من آمد و گفت شریف گفته این را دست نگه دار. من قبول نکردم و گفتم به اینکارها کاری ندارم و چرا مرا اینجا آوردید و سپس مرا نزد شریف برد. شریف گفت این ساک را دست می گیری و از جلوی روی و گر نه خدارحمت ات کند. من گفتم من زن و بچه دارم و نمی خواهم به این کارها وارد شوم. ساک را دست خود گرفتم و به طرف رستوران رفتم. رایل پشت سروا من پشت سر رایل حرکت کرد. محمد و حیدر در آنجا ماندند. نزدیک رستوران شریف به من گفت توم در بایست و نگذار کسی داخل شود. شریف بلوز خاکستری یقه اسکی داشت و بار رایل وارد رستوران شدند. پس از لحظاتی صدای تیر شیدم و سپس شریف و رایل در حال دویدن از رستوران خارج شدند. رایل هفت تیردشش بود و شریف ساک بدست... هر سه، بطرف ماشین ب. ام. و که در خیابان پرنس رگنت پارک شده بود دویدیم. شریف جلونشست، من و رایل عقب در کنار محمد، و حیدر پشت رل بود...

رئیس دادگاه: آیا حرفهایی که امین زده به چه کیفیت زده و اصلا چه کسی حرف زد؟ ج: روز اول امین حرف نزد و گفت وکیل می خواهم و رایل قدری راجع به جریان صحبت کرد. روز ۷ اطلاع داد که امین حاضر است صحبت کند. سپس از کمیسار اداره جنایی جناب فدرال آلمان اظهارات امین درباره روز عملیات (۵ شنبه ۱۷ سپتامبر) را چنین بازگویی کند: روز پنجشنبه ۱۷ سپتامبر صبح که بلند شدم (امین)، حیدر و رایل داشتند بیرون می رفتند. آنها در راه روی من قفل کردند. بعد دوباره برگشتند و یک ساک ورزشی محتوی اسلحه را با خود بردند. حدود ساعت ۲-۳ بعد از ظهر دوباره برگشتند. حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر تلفن دو یا سه بار زنگ زد. شریف گفت باید بروم. ابتدا نماز خواندیم. رایل و محمد با هم رفتند. شریف و من (امین) تا کسی گرفته تا میدان کورت شو ما خورفتیم. سپس وارد اوبان (مترو) شدیم. دوباره خارج شده و تا کسی گرفتیم و تا خیابان برلینورفتم و درست در همان محل شب قبل (نزدیک کیوسک تلفن) محمد ایستاده بود. ماشین بنز و راننده آن نیز همانجا ایستاده بودند. شریف و محمد با راننده صحبت کردند و برگشتند. سپس ما سه نفر (امین، شریف و محمد) به میدان پراگ آمدیم حیدر و رایل هم

آنجای بودند. حیدر با یک ساک به طرف من آمد و گفت شریف گفته این را دست نگه دار. من قبول نکردم و گفتم به اینکارها کاری ندارم و چرا مرا اینجا آوردید و سپس مرا نزد شریف برد. شریف گفت این ساک را دست می گیری و از جلوی روی و گر نه خدارحمت ات کند. من گفتم من زن و بچه دارم و نمی خواهم به این کارها وارد شوم. ساک را دست خود گرفتم و به طرف رستوران رفتم. رایل پشت سروا من پشت سر رایل حرکت کرد. محمد و حیدر در آنجا ماندند. نزدیک رستوران شریف به من گفت توم در بایست و نگذار کسی داخل شود. شریف بلوز خاکستری یقه اسکی داشت و بار رایل وارد رستوران شدند. پس از لحظاتی صدای تیر شیدم و سپس شریف و رایل در حال دویدن از رستوران خارج شدند. رایل هفت تیردشش بود و شریف ساک بدست... هر سه، بطرف ماشین ب. ام. و که در خیابان پرنس رگنت پارک شده بود دویدیم. شریف جلونشست، من و رایل عقب در کنار محمد، و حیدر پشت رل بود...

درباره تحریفهای گمراه کننده نشریه "مجاهد"

مسئولیت شما چیز دیگری است

پس از اینکه نشریه "کار" سکوت مجاهدین خلق در قبال جریان دادگاه برلین را مورد تذکر قرار داد، نشریه مجاهد، هر چند با تأخیر اما سرانجام نگاه خود را متوجه این دادگاه ساخت.

نشریه مجاهد در شماره ۳۲۷ خود بر آشفته از سوال کار درباره سکوت مجاهدین، در مقاله ای طولانی به قلم فردی بنام رضا روحانی اتهامات بیشمار را متوجه "کار" کرده است. همه سخن این مقاله این است که تمامی گروه ها، سازمان ها، افراد و شخصیت های غیر وابسته به "شورای ملی مقاومت" در کارزد و بندها و تماس های پنهانی با ما موران و فرستادگان جمهوری اسلامی بوده هستند و "کار" موضوع این دادگاه که از جمله در اظهارات شهود انعکاس یافته است را تحریف کرده است.

چه کسی راست می گوید؟ نشریه کار کوشیده است فضای عمومی این دادگاه را تا جایی که امکان آتش اجازه داده است، منعکس کند. ما معتقدیم در این کار موفق بوده ایم و این فضای عمومی را که شهادتهای بی شمار بر انجام ترور برلین توسط حکومت اسلامی بوده است، بازتاب داده ایم. اما مجاهد که ما را به "تحریف" متهم می کند، خود از دادگاه برلین چه ارائه داده است؟ مطابق آنچه مجاهد نوشته، این دادگاه صحنه اعتراف های بی دربی شهود به روابط پنهان و نامشروع با عوامل جمهوری اسلامی بوده و انگار که هدف این دادگاه و اظهارات شهود نه رسیدگی به جنایت جمهوری اسلامی، بلکه کشف این روابط بوده است!

مجاهدین همانطور که خود در این مقاله نوشته اند، حق خود می دانند که به هیچ کن دربارۀ سیاست ها و اقدامات خود "حساب پس ندهند" و بنا بر این ابایی نیز ندارند که هر طور می خواهند حقایق را تحریف کنند اما آنجا که آنها مجبور به "حساب پس دادن" می شوند، عیار درستی نوشته ها و گفته هایشان معلوم می شود. کاظم موسوی زاده یکی از افراد این سازمان دزهمین دادگاه برلین مجبور به "حساب پس دادن" شد. وی پس از ترور دکتر شرفکندی و یارانش به پلیس آلمان مراجعه کرد و آنچه را که رضا روحانی در صفحات این نشریه در مورد به اصطلاح تماس های گسترده و پنهانی افراد و شخصیت های گروه های سیاسی، از جمله سازمان ما با جمهوری اسلامی نوشته است، برای پلیس آلمان گزارش کرد. وی از جمله مدعی شد که جلسه رستوران میکونوس به منظور ملاقات با ما مورین مخفی جمهوری اسلامی برگزار شده بود. اما زمانی که وی برای اثبات گفته های خود در برابر دادگاه قرار گرفت، نتوانست یک دلیل قانع کننده تیز ارائه دهد. او در برابر پرسش های رئیس دادگاه برای اثبات ادعای خود به اظهار نظرهایی نظیر اینکه: مجاهدین

پس از اینکه نشریه "کار" سکوت مجاهدین خلق در قبال جریان دادگاه برلین را مورد تذکر قرار داد، نشریه مجاهد، هر چند با تأخیر اما سرانجام نگاه خود را متوجه این دادگاه ساخت.

پا کار و همکاری کنید!

پنجمین سالگرد جنبش فدائیان خلق را منور چرخه با ششگانه متر پر گزار کنیم!

جشن بیست و سومین سالگرد جنبش فدائیان خلق

ویگن خواننده پر آوازه ایران
شوان خواننده مشهور کرد

رقص سنتی گروه بهار، اجرای ترانه های خاطره انگیز

محل: آلمان - بن
DEUJEL - BRÜCKEN
FORUM
Friedrich - Breuer - Str. 17

زمان: یکشنبه
۱۳ فوریه ۱۹۹۲
ساعت ۱۸

دفتر تحکیم وحدت در پاسخ به وزیر کشور:

وزارت کشور ناقض آزادی اجتماعات است

یک نهاد وارانگان رازیر سوال می‌پرسد همه ی ارزشهای انقلاب رازیر سوال می‌پرسد و کلام آخر اینکه بنده نه تنها دفاع می‌کنم از اینکه اجازه ی راهپیمایی ندادند، به حول وقوه ی الهی اگر حیاتی باشد و بنده هم وزیر کشور باشم سال آینده و سالهای بعد هم اجازه نخواهم داد.

سؤال حضرتی نماینده ی رشت ازبشارتی وزیر کشور درباره ی علت ممانعت وزارت کشور از راهپیمایی دانشجویان انجمن های اسلامی دانشگاه های تهران (دفتر تحکیم وحدت) که قرار بوده به مناسبت سالروز اشغال سفارت آمریکا در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال جاری صورت پذیرد، در میان جناح های مختلف حکومتی انعکاس وسیعی یافت.

وزارت کشور قبلاً تأخیر در ارسال تقاضا نامه ی دانشجویان همچنین لزوم یکبار چگی "ملت را دلیل جلوگیری از راهپیمایی اعلام کرده بود.

حضرتی هنگام سؤال ازبشارتی در مجلس بهانه های وزارت کشور را بی اساس خواند. وی اطلاعیه ی استاندار تهران در مخالفت با راهپیمایی را یک اطلاعیه ی "شبه حکومت نظامی" خواند. در این اطلاعیه هر گونه تجمع و راهپیمایی غیر قانونی تلقی و تهدید شده بود که سازمانهای مربوط برابر مقررات با خاطیان برخورد خواهند کرد.

بشارتی در مجلس در جواب حضرتی لزوم وحدت را دلیل ممانعت از راهپیمایی ذکر کرد و زور مدارانه خطاب به دانشجویان دفتر تحکیم وحدت گفت: "ما وظیفه نداریم در هر حالت از هر کس حفاظت کنیم و اجازه ی راهپیمایی در همین وسیله ای فراهم کنیم. شما خودتان مسئول کارهای خودتان هستید، باید شما می رفتید و هماهنگی می کردید، ما برای حفظ خودتان اجازه ندادیم. نیروهای ما آمدند آن روز، مبارزه با استکبار جهانی و امپریالیسم آمریکا را به یک کنفرانس، سمینار یا تجمع علیه دولت تبدیل کردید، تمام ارزشهای انقلاب را شما زیر سوال بردید، حرفهایی زدید که شایسته ی دولت و این اجتماع و این مردم و این انقلاب نبود.

او همچنین گفت: "شما رفتی اجازه ی راهپیمایی در همین وسیله ای فراهم کنیم. شما خودتان مسئول کارهای خودتان هستید، باید شما می رفتید و هماهنگی می کردید، ما برای حفظ خودتان اجازه ندادیم. نیروهای ما آمدند آن روز، مبارزه با استکبار جهانی و امپریالیسم آمریکا را به یک کنفرانس، سمینار یا تجمع علیه دولت تبدیل کردید، تمام ارزشهای انقلاب را شما زیر سوال بردید، حرفهایی زدید که شایسته ی دولت و این اجتماع و این مردم و این انقلاب نبود.

وزیر امور سؤال، قانع کردن نماینده ی مجلس است، محکوم و تهدید به استیضاح کرد. این روزنامه همچنین فاش ساخت که تظاهرات دولتی برگزار شده در روز ۱۳ آبان تنها ۶۵ هزار نفر شرکت داشته اند که بخش بزرگی از آنها را نیز نیروهای انتظامی تشکیل می داده اند.

دزدان بانک ملی گوی سبقت از سارقین بانک تجارت را بودند

برداشت شده است. وی تعداد دستگیر شدگان و شیوه ی عمل آنها را افشاء نکرد. با آشکار شدن اختلاس در بانک ملی بدنبال بانک های تجارت و ملت این سؤال در اذهان خطور می کند که چه عاملی به کارکنان و مدیران خطای بانک های مختلف کمک کرده است که آنها بی مهابا سالها به اختلاس خود ادامه دهند و امروز چه چیز باعث شده که بعضاً پس از سالها دزدیشان فاش گردد.

دردماری پیشین "کار" از دزدی بزرگ بانک تجارت و راز سرپوشیده ی چگونگی اختلاس ۲ میلیون و ششصد هزار دلار و یک میلیون و ششصد هزار ماری که تن از کارمندان آن بانک نوشتیم. حال از اختلاس ۳۱۶ میلیون دلاری کارمندان بانک ملی ایران خبر می رسد.

سرتیب سیف الهی فرمانده نیروی انتظامی رژیم با اعلام این خبر اظهار کرد که این مبلغ از حساب های دولت جمهوری اسلامی

شکست تازه برای فوتبال ایران پاس تهران به "الوداد" مراکش باخت

تیم فوتبال پایتخت نشین پاس که در دیدار رفت در تهران در یک بازی بدون گل در مقابل تیم الوداد مراکش به یک امتیاز رضایت داده بود، در بازی برگشت در مراکش پذیرای دو گل و احتمال شکست شد و جام قهرمانی باشگاههای آسیا و آفریقا را از دست داد.

شکست پاس ادامه زنجیره ناکامی فوتبال ایران است که از حدود یک سال پیش آغاز شده است. در طول این مدت تیم های ملی نوجوانان، امید و بزرگسالان در میدان های مهم بین المللی از صعود بازمانده اند و گاه در مقابل تیم های درجه دوم و سوم آسیا پذیرای شکست شده اند. عدم

روزنامه سلام: عبدی باید آزاد شود

در حالیکه سوالات بشمار در مورد علل دستگیری عباس عبدی، نحوه محاکمه او و دلایل محکومیتش باقی است، موسوی تبریزی دادستان کل کشور در رابطه با نحوه ی دادرسی و دادگاه آقای عبدی عضو سردبیری روزنامه سلام گفت: "در مورد آقای عبدی فکر نمی‌کنم برای کسی نکته ی مجهولی مانده باشد. اخیراً محاکمه ایشان تمام شد و به یکسال زندان و چند ضربه شلاق تعلیقی محکوم شدند." وی در ادامه افزود: لزومی ندارد که قانوناً ما بخواهیم موارد اتهام ایشان را بیان کنیم. وی گفت که حیثاً طرح این موارد در اذهان مردم چیزهایی را تداعی می‌کند و ایشان قانوناً حق دارد که به حکم صادره اعتراض بکنند.

روزنامه سلام در یادداشتی نوشته است: حداقل فایده ی اظهارات دادستان کل کشور اینست که یک مقام مسئول قضایی حکم صادره در مورد آقای مهندس عبدی را اعلام کرده است و این در حالی است که نزدیک به سه هفته از تاریخ صدور حکم می‌گذرد و هنوز طبق پیگیریهایی که همسر آقای عبدی بعمل آورده حکم رسماً به وی ابلاغ نشده است. یعنی عملاً آقای عبدی را از یک حق مسلم محروم ساخته اند

روزنامه سلام از مقامات قضایی کشور خواسته است تا روشن شدن نتیجه اعتراض عباس عبدی وی را آزاد کنند. خوانندگان سلام نیز با تلفن های متعدد به این روزنامه، به محکومیت عباس عبدی اعتراض می‌کنند. گفته می‌شود گویا یکی از دلایل محکومیت وی ایراد یک سخنرانی در تبریز بنام "ریشه های افراط و تفریط بوده است.



در حالیکه مبارزه حزب الله برای تعطیل کارخانه کوکا کولا هنوز به نتیجه نرسیده است، "بسیجیان جان بر کف" توانستند یکی دیگر از سمبل های "استکبار جهانی" یعنی شعبه "مک دونالد" را افتتاح نشده، تعطیل کنند! اقدام رستورانی به نام رستوران رواق که وابسته به نهاد های دولتی نیز هست برای استفاده -و شاید سوء استفاده- از نام و علامت مک دونالد، برای فروش بیشتر، با اعتراض حزب الله تا کام ماند و بخش همبرگر فروشی این رستوران توسط نیروی انتظامی تعطیل گردید.

حزب الله در شرایطی این پیروزی را جشن گرفت، که حجم واردات کالا از آمریکا بر اساس آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی در سال ۷۱ به ۱۶۳/۴۳۹/۷۰۴/۵۳ ریال رسیده است!

یک اقدام تروریستی...

مدوران رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. "او همچنین گفت که امران هدایتی قبلاً چندین بار تلفنی نیز تهدید به مرگ شده است. پلیس سوئد ضمن اعلام اینکه این اقدام جنبه سیاسی داشته است. شناسائی عاملین این توطئه را پیچیده ارزیابی کرد. خبر این ترور چندین بار از رسانه های عمومی سوئد پخش شد و موجب تنفر محافل اپوزیسیون ایرانی و نیروهای مترقی سوئد شد. لازم به یاد آوری است که سه سال قبل نیز در انفجار یک بسته پستی که برای امیر قاضی یکی از شخصیت های مبارز کرد در شهر وسترووی سوئد ارسال شده بود همسروی عفت قاضی به قتل رسید. هنوز عاملین این قتل شناسایی نشده اند.

خبرهای کوتاه

جمهوری اسلامی به پیمات گات می‌پیوندد؟

دکتر به کیش عضو ایرانی کمیته اتاق بازرگانی بین المللی به هنگام دیدار دبیر کل اتاق بازرگانی بین المللی از ایران در مورد ورود ایران به جمع اعضاء توافق نامه گات اظهار کرد: کشور ما در مسیر آزاد سازی قرار دارد و راهی جز پیوستن به گات ندارد. او گفت حضور ایران در گات به نفع کشور ماست و امکان صادرات محصولات کشاورزی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد. پیش از این نیز مقامات اقتصادی رژیم از پیوستن ایران به قرارداد گات سخن گفته اند. اما تا کنون بررسی جامعی در باره سودها و زیانهای اقتصادی پیوستن به این توافق نامه ارائه نکرده اند.

"فتوای" خامنه‌ای

خامنه‌ای رهبر رژیم با اینکه آیت الله اراکی را به عنوان مرجع تقلید به رسمیت شناخته است، از مطرح کردن خود به عنوان مرجع ابایی ندارد. اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی درباره ی درج آیات قرآنی و اسماء الهی از خامنه‌ای "استفتاء" کرد. خامنه‌ای نیز در جواب با امضاء آخوندی "علی ابن الجواد الحسینی" و بانگارش غلط "اسماء الهی" درباره نداشتن منع شرعی نشر آیات قرآنی و اسماء الهی "فتوا" داد.

شیر و خامه پاکتی گران شد

صنایع شیر ایران قیمت شیر و خامه پاکتی را از ۶۰۰ ریال به ۷۰۰ ریال رساند. این افزایش قیمت در واقع افزایش بهای پاکت های مورد استفاده است و قیمت رسمی شیر شیشه‌ای افزایش نیافته است. شیر شیشه‌ای در تهران به بهای ۱۵۰ و در شهرستانها ۱۲۰ ریال عرضه می‌شود.

افزایش ۳۰ درصدی بهای کالاها

بر اساس گزارش اداره ی آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ایران متوسط شاخص بهای کالا های عمده فروشی در ۷ ماه اول سال ۷۲ در مقایسه با مدت مشابه در سال پیش ۲۲/۹ درصد افزایش داشت. افزایش این شاخص در مهر ماه امسال نسبت به ماه شهریور ۳/۳ درصد و نسبت به مهر ماه سال گذشته ۲۱/۷ درصد بوده است.

"رادیو خبر" ایجاد می‌شود

به گفته محمد هاشمی رئیس صدا و سیما به زودی یک ایستگاه تازه رادیویی، به نام "رادیو خبر" ایجاد خواهد شد. این رادیو که ابتدا محدود به تهران رازیر پوشش خواهد گرفت، از ساعت ۶/۳۰ صبح تا ۹/۳۰ شب برنامه خواهد داشت و هر ۱۵ دقیقه یکبار خبر پخش خواهد نمود.

"آنتن های بشقابی" همچنان بر با مهابا می‌رویند

آنتن های بشقابی، مثل قارچ بر با مهابا می‌رویند. این آنتن ها بطور قاچاق از ترکیه و شیخ نشین های خلیج فارس وارد می‌شود. گفته می‌شود تنها در تهران ۸۰۰ هزار نفر از امکان تماشای برنامه های ماهواره ای برخوردار شده اند.

بهره برداری از تلفن های بی سیم در تهران

سیستم تلفن موبیل قابل استفاده در منزل، اتومبیل و یا همراه مشترک از سال آینده در تهران مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. قیمت واگذاری این سیستم ۵۰۰ هزار تومان است. شعاع برد تلفن دستی در اولین مرحله بهره برداری تا شهرهای قم، قزوین و دیگر شهرهای نزدیک تهران خواهد بود. قرار است در مرحله دوم برخی از شهرهای بزرگ چون تبریز، مشهد، بندرعباس، اهواز، شیراز و کرمان از این سیستم استفاده کنند.

تخریب جنگل های شمال

به گفته ی افزایش یافته ی جالوس و نوشهر در مجلس شورای اسلامی سالی ۵۰ هزار هکتار از جنگل های شمال کشور تخریب می‌شوند و برنامه ی ایجاد ۳۰ هزار هکتار جنگل در سال، که در حال حاضر تا حدی اجراء می‌شود، میزان تخریب بی رویه را جبران نمی‌کند. او گفت در ۱۵ سال گذشته جمعاً ۳۵ هزار هکتار از جنگل های شمال کشور به افراد یا سازمان ها و نهاد های دولتی و شبه دولتی واگذار شده و با بطرق دیگری از بین رفته است. شکی نیست که بی آمد های اسفناک این گونه فاجعه های زیست محیطی نسل های آینده را نیز در بر خواهد گرفت.

انفجار بمب در تهران

در دو انفجار بمب در میدان فردوسی تهران یک نفر کشته شد. دو بمب صوتی در چهارشنبه شب ۲۴ دی ماه به فاصله کوتاهی در میدان فردوسی و اول خیابان کوشک منفجر شد که چند نفر را مجروح کرد و خساراتی به مغازه های اطراف وارد آورد. یکی از مجروحان در بیمارستان درگذشت. روزنامه های تهران این انفجارها را به مجاهدین خلق نسبت دادند. دوروز بعد از این واقعه نیروی انتظامی با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که بمب گذاران خیابان فردوسی را دستگیر کرده است. در این اطلاعیه تیراندازی روز دوشنبه ۲۰ دیماه نیز به این گروه نسبت داده شده است. در اطلاعیه نیروی انتظامی نوشته شده که در عملیات فوق عناصر متعصب و منحرف مرتبط با منافقین دست داشته اند. مجاهدین خلق ادعاهای جمهوری اسلامی را تکذیب کرده اند.

بودجه سال آینده، پیش بینی ها و واقعیت ها

- بهای فروش نفت در بودجه سال آینده ۱۴ دلار در هر بشکه منظور شده است، در حالیکه اکنون زیر ۱۱ دلار بفروش می رود
- بدلیل کاهش درآمدهای نفتی، سهم هزینه های عمرانی در بودجه سال آینده کاهش یافته و بسیاری از طرح های عمرانی اجرایی نمی شود یا متوقف می گردد
- در اثر تأخیر در بازپرداخت بدهی های خارجی، دولت باید سالانه ۷۰۰ میلیون دلار ربهه بپردازد
- سال آینده نرخ نفت، بنزین، گاز، آب و برق و تلفن به شدت افزایش خواهد یافت

انسان در محاصره کویرها و صحراها

یک سوم مساحت ایران را کویرها و صحراها تشکیل می دهند

در کنفرانسی که اخیراً در نیویورک از سوی سازمان توسعه وابسته به سازمان ملل برای تهیه مقدمات یک "پیمان صحراها و کویرها" برگزار شد، مسئله پیشروی صحاری و کویرها و خطرات آن برای محیط زیست مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. رئیس سازمان توسعه هشدار داد که اگر صحراها در ابعاد کنونی گسترش یابند، یک ترازدی بی سابقه جهانی روی خواهد داد.

بر اساس داده های سازمان ملل در حال حاضر یک ششم جمعیت جهان در معرض تأثیرات صحرا گسری قرار دارد. روند خشک شدن دشت ها هم اینک یک چهارم سطح زمین را تهدید می کند و نهمصد میلیون نفر روی کمربند خشک زمین زندگی می کنند.

گسترش صحراها بیش از همه به آفریقا آسیب وارد آورده است. ۷۳ درصد زمین های زراعی این قاره از این رو هگدر صدمه دیده اند. این میزان در آسیایه ۷۰ درصد می رسد. در ایران نیز بعنوان یک کشور آسیایی، ابعاد صحراها و کویرها و گسترش شتابان آنها چشمگیر و مخاطره انگیز است. بر طبق آمارهای رسمی ۳۴۰ هزار کیلومتر مربع از خاک کشور را اراضی بیابانی تشکیل می دهند و ۱۶۰ هزار کیلومتر مربع آن نیز جزو مراتع مخروبه کویری به حساب می آید. به عبارت دیگر هم اکنون نزدیک به یک سوم مساحت ایران را کویرها و اراضی غیر مرتع در بر گرفته اند. علاوه بر آن اگر میزان تکان دهنده فرسایش سالانه خاک و روند گسترش صحراها در میهن مان را پیش چشم آوریم، به ابعاد خطرات سهمناکی که فاجعه صحرا گسری در ایران به بار آورده، می آورد بیشتر واقف خواهیم شد. آمار نشان می دهد که میزان فرسایش خاک در ایران ۲ میلیارد تن (یعنی دو برابر میزان متوسط در جهان) در سال می باشد. بدینسان هر روز و هر سال زمین های بیشتری در ایران از بارآوری ساقط شده و تا مین مواد غذایی لازم برای اهالی و حفاظت از محیط زیست به دشواری غامض تری



تولیدات داخلی به علت هجوم کالاهای خارجی با بحران شدیدی مواجه است و تبلیغات فراوان در دود یوارها همچنان مردم را به مصرف بیشتر کالاهای وارداتی فرامی خوانند

پرداخت حدود ۸ میلیارد دلار از این بدهی ها به تعویق افتاده است.

دولتهای طلبکار، از جمله ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا در یک سال گذشته مجموعاً با تجدید زمان بندی این بدهی ها و به عقب انداختن آنها با رژیم اسلامی کنار آمده اند. اگر از این پس دولتها و مؤسسات غربی حاضر به تمدید مهلت بازپرداخت بدهی های جمهوری اسلامی می شوند، دولت ناگزیر از پرداخت مبالغ هنگفتی بعنوان بهره بدهی های معوقه خواهد شد.

هم اکنون نشان های پر دردست است که دولتهای طرف حساب ایران از جمله ایتالیا و آلمان، دیگر حاضر به تمدید مهلت بازپرداخت بدهی های دولت ایران نیستند. محمد جواد رجبانی در سفر اخیر خود به آلمان در مصاحبه مطبوعاتی خود که در سفارت رژیم اسلامی در آلمان دیگر حاضر به تمدید زمان بازپرداخت بدهی ایران به آلمان (که وی از رقم حدود ۳ میلیارد دلار نام برده است) نشده اند، ابراز ناراحتی کرده است.

روزنامه رسالت نوشته است: در صورتیکه کشورهای اروپایی مساعدت نکنند بهره تأخیر در بازپرداخت بدهی های تیریه رقم کل بدهی ها افزوده خواهد شد. در بودجه سال آینده - و نیز برای سالهای آتی - پیش بینی شده که سالانه یک میلیارد دلار از بدهی های بازپرداخت شود. رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس در مصاحبه ای با رسالت می گوید با این روند ۳۰ سال طول خواهد کشید که تعهدات خارجی مستهلک شود، مضافاً به اینکه تأخیر در بازپرداخت ها سالانه حدود ۷۰۰ میلیون دلار بهره به آن تعلق می گیرد.

او یک با بحران بزرگی روبرو خواهند بود.

در خبر دیگری پیرامون زیانهای مالی ناشی از سقوط بهای نفت برای کشورهای عضو اوپک، وزیر نفت کویت گفته است تنها در دو ماه میلادی نوامبر و دسامبر گذشته کشورهای تولید کننده نفت عضو اوپک ۳ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی خود را از دست داده اند.

بخشی از هزینه های عمرانی کاهش خواهد یافت و تعدادی از طرح های عمرانی متوقف می شوند و تعدادی از طرح هایی که شروع شده و امکان توقف آنان وجود دارد، از ادامه فعالیت آنان جلوگیری خواهد شد.

افزایش نرخ نفت و گاز و بنزین آب و برق و تلفن

در بودجه سال آینده افزایش فوق العاده ای در نرخ عرضه نفت، گاز، بنزین، آب و برق و تلفن و سایر خدمات دولتی پیش بینی شده است. این افزایش قیمت ها بطور متوسط بیش از دو برابر خواهد شد. بعنوان مثال بهای فروش بنزین از ۵۰ ریال برای هر لیتر به ۱۲۰ ریال افزایش خواهد یافت. علاوه بر این بر اساس لایحه ای که اخیراً از تصویب مجلس گذشت، دولت برای خدماتی چون نقل و انتقال و وسایط نقلیه، گواهی نامه رانندگی، کارنامه های تحصیلی داخلی و خارجی، نوشابه های وارداتی، سیگار، الکل، کارت معافیت، گواهی رانندگی بین المللی، پلاک ترانزیت و شماره گذاری وسایط نقلیه مالیات دریافت خواهد کرد. دولت پیش از این نیز در مورد اغلب خدمات یاد شده، بویژه کالاهایی چون سیگار و نوشابه مالیات دریافت می کرد اما از این پس دامنه این کار وسیع تر و میزان مالیاتها افزایش خواهد یافت. افزایش نرخ کالاهای خدمات دولتی یاد شده، قطعاً روی نرخ دیگر کالاهای مصرف عمومی اثر خواهد گذاشت و موج تازه ای از تورم و گرانی را بر مردم تحمیل خواهد کرد.

مشکل بدهی های خارجی و بودجه سال آینده

دولت جمهوری اسلامی در حال حاضر ۳۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد. این رقم را کسانی چون محتشمی و نیز روزنامه سلام ۴۰ میلیارد دلار اعلام می کنند. موعد

درصد درآمدهای پیش بینی شده در بودجه سال آینده از طریق فروش نفت تأمین خواهند شد. در این پیش بینی قیمت هر بشکه نفت ۱۴ دلار و هر ۱۷۵۰ ریال منظور شده است. آیا چنین درآمندی قابل تحقق است؟ هم اکنون که فصل سرماست و بنا به پیش بینی کارگزاران حکومتی بهای نفت در این فصل می یابست حداقل به ۱۶ دلار در هر بشکه می رسد، نفت ایران کمتر از ۱۱ دلار به فروش می رسد. روزنامه رسالت ارگان جناح غالب در حکومت می نویسد: با توجه به عدم تحقق درآمدهای نفتی در سال جاری (۷۲) و از آنجا نیکه تصویر روشنی از افزایش قیمت نفت به علت تداوم بحران در بازار جهانی نفت، تخلفات اعضای سهمیه های تولید، وجود ندارد، این میزان درآمدهای نفتی که بر اساس هر بشکه ۱۴ دلار پیش بینی شده تحقق نخواهد یافت. این روزنامه می افزاید: در صورت تداوم شرایط فعلی، در خوش بیانه ترین وضعیت، درآمد ارزی کشور کمتر از ۳ میلیارد دلار خواهد شد. این مقدار ۳ میلیارد دلار کمتر از پیش بینی دولت است.

وضع به همین منوال است: در بودجه سال آینده ۶۴۰۰ میلیارد ریال درآمد مالیاتی پیش بینی شده است. این میزان حدود ۲۰ درصد بیشتر از میزان منظور شده در بودجه سال جاری (۷۲) می باشد. این در حالی است که روزنامه های دولتی می نویسند: در فرامه اول امسال ۲۴ درصد از درآمدهای مالیاتی تحقق نیافته است. بنا به آمارهای منتشره توسط ارگانهای دولتی، در سال ۷۱ دولت توانسته فقط ۲۷۷۳ میلیارد ریال درآمد مالیاتی داشته باشد. میزان پیش بینی برای سال آینده دو برابر این رقم است و معلوم نیست دولت چگونه خواهد توانست به این رقم دست یابد.

نمایندگان مجلس می گویند درآمدهای پیش بینی شده در بودجه سال آینده غیر واقعی است و مجلس آنها را تغییر خواهد داد. رؤسای کمیسیونهای برنامه و بودجه و اقتصاد و دارایی مجلس گفته اند که دلار هر بشکه منظور شده است، تغییر داده و ۱۱ دلار محاسبه خواهد کرد، علاوه بر این سهم هزینه های عمرانی در بودجه کاهش داده خواهد شد و بسیاری از طرحها کنار گذاشته می شوند. رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس می گوید: "موضوع کاهش درآمدهای دولت باعث شد به هنگام تنظیم بودجه از دو مکانیزم استقراض از بانک مرکزی و یا کاهش هزینه های عمرانی استفاده شود که در نهایت روش دوم برگزیده شد. وی می افزاید: در بودجه سال ۷۳

لایحه بودجه سال ۷۳ در کمیسیونهای مجلس در حال بررسی است و از همین هفته (سوم بهمن ماه) بحث روی آن از سوی نمایندگان مجلس آغاز می شود. این در حالی است که برنامه ۵ ساله دوم دولت رفسنجانی که به همراه لایحه بودجه ۷۳ به مجلس ارائه شده بود، عجتاً تا به پایگانی سپرده شده است. در بودجه سال ۷۳ هزینه ها ۳۳۷۶۸ میلیارد ریال و درآمدها ۳۳۵۹۲ میلیارد ریال پیش بینی شده است. این ارقام بنا به گفته رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس تنها "دوسوم از بودجه کل کشور را تشکیل می دهد و یک سوم هزینه ها خارج از برنامه ریزی ها خرج می شود". تازه این یک سوم هزینه های خارج از برنامه ریزی که عمدتاً هزینه شرکتی تحت پوشش دولت را در بر می گیرد، شامل هزینه های مخفی از جمله برخی خریدهای نظامی، کمک های خارجی به لبنان و سودان، هزینه شبکه های تروریستی رژیم در سرتاسر جهان و... نمی شود.

باز هم بودجه بدون کسری!

بودجه سال آینده آنطور که ارقام نشان می دهند "متعادل" است یعنی درآمدها، هزینه ها را جبران می کند و کسری وجود ندارد. اما این امر به همان اندازه واقعیت دارد که بودجه بدون کسری سال جاری. رفسنجانی سال پیش هنگام ارائه بودجه سال ۷۲ به مجلس ادعا کرد که برای نخستین بار در ظرف ۲۵ سال اخیر بودجه بدون کسری به مجلس داده است. اما همگان می دانستند که این بودجه فقط روی کاغذ بدون کسری است. هزینه شرکتی دولتی که رقم هنگفتی را شامل شده و بخش بزرگی از درآمدهای ارزی دولت را می بلعد، در بودجه منظور نشده بود. علاوه بر این به گفته حسین شاهرودی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس میزان کسری بودجه سال جاری - همان که رفسنجانی ادعا می کرد بدون کسری است - در حال حاضر حدود ۱۰۰ میلیارد تومان است که در این میان مقداری عدم تخصیص وجود دارد که اگر این عدم تخصیص با انجام شود کسری بودجه یا لا تر نمی رود. به عبارت دیگر اگر هزینه های پیش بینی شده در بودجه سال ۷۲ انجام شوند، دولت با کسری بودجه هنگفتی روبرو خواهد بود. چندی پیش روزنامه های دولتی نوشتند با آنکه ۳ ماه به پایان سال مالی باقی مانده، دولت با ۲۵ درصد کسری بودجه روبروست. بودجه سال ۷۳ نیز چنین فرجامی پیش رو دارد، چرا که درآمدهای پیش بینی شده به هیچ روی قابل دستیابی نیست. بعنوان مثال ۶۷

آسیا: محیط زیست قربانی رشد اقتصادی

نگیرد، مراکز صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیا بخاطر آلودگی شدید آب و هوا به سکنه دچار خواهند شد و زندگی در آنها به مخاطره خواهد افتاد. در این میان ایران نیز بعنوان یک کشور آسیایی چندان وضع بهتری ندارد. در واقع کشور ما ضمن آنکه رشد اقتصادی کره جنوبی، تایلند و تایوان و... را هرگز بخود ندیده و برنامه رفسنجانی نیز برای دستیابی به چنین هدفی اینک به آخر خط رسیده است، در عوض آلودگی آب و هوای شهرهای بزرگ ما دست کمی از کشورهای مذکور ندارد. حساب های صنعتی آبهای جاری را می آلودند، فاضلاب های غیر مهندسی و بی طرحی شده یا سفره های آب زیر زمینی (آب آشامیدنی) در می آمیزند، حجم زیادی از آب رودها و رودخانه ها بخاطر بی برنامه گی و فقدان سدها و آب بندها به هدر می رود، جنگلها و مراتع پیوسته در معرض نابودی اند و دود کارخانه ها و بویژه اتومبیل ها روزی نیم گرم سرب وارد شش های اهالی تهران می کند. بدین ترتیب محیط زیست کشور ما نیز بیدون رشد و توسعه اقتصادی هم از ابتلا به یک سکنه کامل چندان فاصله ای ندارد.

الودگی فزاینده هوا در بانکوک (تایلند) و تاپیه (تایوان)، آب آشامیدنی ناسلام در جا کارتا (اندونزی) و فرسایش شدید خاک در فلپینز و تایلند، اینها همه از پیامدهای رشد اقتصادی برخی از کشورهای جنوب شرقی هستند که محیط زیست را به نحوی خطرناک در معرض آسیب و نابودی قرار داده اند.

بانک جهانی که پیوسته کشورهای جهان سوم را به تبعیت از برنامه ها و شیوه های اقتصادی کشورهای فوق تشویق کرده است، اینک با ارائه یک گزارش از تخریب محیط زیست بعنوان یکی از مشکلات توسعه در آسیا سخن می گوید. بر اساس این گزارش رشد اقتصادی برخی از کشورهای آسیایی در ظرف ۲۰ سال گذشته، میزان دی اکسید ازت و گوگرد و نیز مقدار فلزات سنگین در هوای شهرهای بزرگ تایلند را تا ۱۰ برابر و در فلپین تا ۸ برابر افزایش داده است. تخریب منابع طبیعی در این کشورها به حدی است که رشد اقتصادی آتی آنها را در معرض تهدید قرار داده است. گزارش بانک جهانی حاکی از آن است که اگر اقدامات عاجلی صورت

اعضای اوپک در سال ۹۳ میلادی ۱۳/۶ میلیارد دلار زیان دیدند

اوپک همچنین با اثرات منفی روند روبه افزایش تولید نفت از سوی تولید کنندگان غیر اوپک روبرو بوده است. آنچه که اکنون بیش از هر چیز دیگری برای اوپک نگران کننده شده است، احتمال ورود عراق به بازار نفت در آینده نزدیک است که در آن صورت بازار نفت و تولید کنندگان عضو

بیش از همه شامل ایران به میزان ۲۸ درصد، عربستان سعودی ۲۶ درصد، اندونزی ۳۰ درصد و لیبی ۳۲ درصد بوده است. لیبی راسیون در گزارش خود می نویسد اعضای اوپک نتوانستند برای کنترل بهای نفت در بازارهای جهانی تولید خود را کنترل نمایند.

کشورهای عضو اوپک در سال گذشته میلادی حدود ۱۳/۶ میلیارد دلار از درآمدهای پیش بینی شده خود از محل فروش نفت را از دست دادند. این گزارش که به نقل از روزنامه فرانسوی لیبی راسیون در روزنامه های تهران انتشار یافته است حاکی است که این کاهش درآمد

فشار دوباره حزب الله بر ماهنامه گردون

ماهنامه گردون که توسط عباس معروفی در تهران منتشر می‌شود، بار دیگر مورد تعرض حزب الله قرار گرفته است. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، جمعی از شهروندان تهرانی با ارسال نامه‌ای به دادستانی خواهان برخورد مقامات قضائی کشور با این نشریه شده‌اند. "جرم تازه ماهنامه گردون مصاحبه این نشریه با باقر پیرام نویسنده و از فعالین کانون نویسندگان است. حزب الله مصاحبه با عضو کانون منحل نویسنده گان" که گوید در آن مقام ولایت فقیه همدردی شاه قرار گرفته است، رابطه لشکرکشی تازه علیه گردون کرده است. این جمله چنین است: پس دفاع از آزادی اندیشه و بیان معنی اش این

نیست که فقط با شاه مخالفت کنی یا ولایت فقیه را روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان مشوق و خط دهنده حزب الله در این نبرد تازه هستند. نشریه گردون، یکبار به دلیل چاپ یک طرح مورد هجوم حزب الله قرار گرفت. در این هجوم دفتر این نشریه را بستند و آثار خودسرانه توقیف کردند. عباس معروفی مدیر مسئول این نشریه به دادگاه رفت اما از سوی هیئت منصفه مطبوعاتی تبرئه شد. حزب الله این رای را نپذیرفت و اکنون در یک لشکرکشی دوباره در صدد است بخت خود را با دیگر علیه این نشریه بیازماید. نشریه گردون پیشاپیش خطر را دریافته و تعبیر کنندگان را به سعه صدر، مهربانی و احترام به قانون دعوت کرده است.

نمایشگاه "چهره مطبوعات امروز ایران"

نمایشگاه چهره مطبوعات امروز ایران بمدت ۱۵ روز در فرهنگسرای بهمن (محل کشتارگاه سابق) برپا شد. در این نمایشگاه ۳۰۰ نشریه دارای مجوز انتشار شرکت داشتند. قاضی زاده مدیر نمایشگاه نشریاتی را که در نمایشگاه شرکت نداشتند به دسته زیر تقسیم کرد: یک دسته از مطبوعات بدلیل کمکهایی که از دولت دریافت می‌کنند و با توجه به نوع فعالیت‌های دارند خود را از سرنوشت فعالیت کل مطبوعات برکنار می‌دانند. یک دسته نشریاتی که در شهرهای مختلف در گوشه و کنار کشور منتشر می‌شوند اما با توجه به مشکلات متعدد از جمله دوری راه، محدود بودن تیراژ و کمبود بودجه قدرت حضور در نمایشگاه را ندارند. یک دسته مطبوعات که در وضع بین تعطیل و کار کردن - بودن یا نبودن قرار دارند بدلیل درگیری با مشکلات بسیار زیاد حاضر به

شرکت در نمایشگاه نشدند. مدیر نمایشگاه گفت: در برپایی نمایشگاه هدف آشنا کردن مردم به عنوان مخاطبان اصلی فعالیت‌های فرهنگی با مطبوعات، ایجاد همدلی و رفاقت و دوستی و همکاری میان دست اندرکاران مطبوعات و حضور مسئولان فرهنگی در نمایشگاه و امکان تماس مستقیم دست اندرکاران مطبوعاتی با آنها را دنبال کرده‌ایم. او گفت هدف حاشیه‌ای در برپایی نمایشگاه این است که مطبوعات کشور که هم اکنون در شرایط سخت و بسیار خطرناک بحران مالی قرار دارند و به این خاطر با خطر تعطیل شدن روبرو هستند، بتوانند با جذب و پیدا کردن مخاطبان جدید و گرفتن اشتراک شدت خطر فوق را کاهش دهند. مدیر نمایشگاه از حضور مردم در بازدید از نمایشگاه اظهار رضایت کرد ولی گفت از مسئولان فرهنگی کشور کسی برای دیدن نمایشگاه نیامده است.

قیام مکزیک از نظر نویسندگان آمریکای لاتین

وقایع اخیر مکزیک بسیاری از مسائل آمریکای لاتین را تحت الشعاع قرار داد و اغلب روشنفکران نویسندگان مکزیک و کشورهای مجاور را به موضوعگیری و اظهار نظر واداشت. اکتواویو پاز، شاعر و نویسنده مکزیک‌گرا چه از نویسندگان که از امضای بیانیه‌های متعدد هنرمندان و روشنفکران مکزیک مبنی بر قطع مبارزه با چپ‌پاس سرپاز زده است، همصدا با دولت منشأ تحرکات شبه نظامی سرخپوستان را در مانوئل، الهیات آزاد بیخش، سازمان راه درخشان (پرو) و جنبش‌های انقلابی آمریکای مرکزی دانست و آن را به عوام‌فریبان غیر مسئولی ربط داد که سرخپوستان را اغوا کرده و در صدد ضربه زدن به اعتبار بین‌المللی مکزیک هستند. پاز اظهار اطمینان نمود که ارتش بزودی نظم و آرامش را در منطقه احیا خواهد کرد. کارلوس فونتنس، نویسنده نامدار مکزیک بر عکس پاز، اعتبار بین‌المللی مکزیک را نسبت به رنجی که میلیون‌ها مکزیک‌گرا از نداشتن سرپناه، زمین و آب آشامیدنی تحمل می‌کنند، غیر مهم توصیف کرد. فونتنس در مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های مکزیک نوشت: "قیام اهالی چپ‌پاس حداقل این حسن را داشت که مکزیک را از خواب خود بیدار کرد و به جنبش‌های خودآزمایی خود انسانها را در دام یاس و نومیدی انداخته و پذیرش مرگ را برای آنها به ساده‌ترین کارها بدل ساخته‌اند."

دیمکرانیک سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشور است. به نظر فونتنس یاس و نگرانی قیام کنندگان کاملاً قابل فهم است، اما شیوه مبارزه آنها موجه و معقول نیست. آیا واقعا شیوه دیگری برای اعتراض وجود نداشت؟ قیام کنندگان می‌گویند نه. بر عهده ما، یعنی دولت و شهروندان مکزیک است که آنها را به ثمر بخشی شیوه‌ها و آلت‌تیرهای دیگر متقاعد کنیم. لوئیس سبولودا، نویسنده معروف شیلی نیز در مقاله‌ای که در نشریات معتبر ایتالیا، فرانسه و اسپانیا به چاپ رسیده نوشت: "روز اول ژانویه ۱۹۹۴ ما بر صفحه تلویزیون دهقانان و سرخپوستانی از جنوب مکزیک را مشاهده کردیم که علیه پانصد سال غارت و استثمار و تحقیر به پا خاسته‌اند. آنها با الهام از رهبر افسانه‌ای خود (زاپاتا) برای یک شکست دیگر وارد کارزار شده‌اند. آنها شادی جشن شب سال نو (سیچی) را به کام امضا کنندگان قرارداد نفتا زهر کرده و خود را پیش از آنکه دیگران (با چنین قراردادهایی) به نابودی نشان بی‌آغازند به کام مرگ رها ساختند. دوازده هزار سرباز با تانک، هواپیما و مدرن‌ترین ابزار کشتار جنگی علیه دوهزار سرخپوست و دهقان! شاید که این قیام کنندگان دیوانه شده‌اند؟ نه! دیوانه‌انگیزی نیستند که با سیاست‌های خود انسانها را در دام یاس و نومیدی انداخته و پذیرش مرگ را برای آنها به ساده‌ترین کارها بدل ساخته‌اند."

نگره‌های زن ستیز حاکمان در آثار هنری

گویند رمز عشق

مگویند و مشنویید!

سنت‌ها و ارزش‌های خرافاتی و مردسالارانه در جامعه ما که از پس انقلاب مشروطیت و به ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تا حدودی رنگ باخته و یا دستخوش تحول شده بودند، با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی دوباره با شدت بیشتری احیاء شده و مرقعیت و منزلت زنان ما قسماً تا سطح سال‌های سده پیش تنزل یافته است. راست این است که تغییر و تحول در نگاه جامعه نسبت به زن در دهه‌های پیش از انقلاب تا حدودی سطحی بود و در همه زوایای شعور اجتماعی و فرهنگی مردم رسوخ نکرده بود. علاوه بر آن کاسته شدن از قید و بند‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در مورد زنان بیشتر به شهرهای بزرگ محدود می‌شد و شتاب زدگی، نسجیدگی و فقدان چشم‌انداز در بر نامه‌های توسعه رژیم پیشین مانع از آن بود که شعور و ذهنیت اجتماعی و فرهنگی جامعه کیفاً و فراگیر، آرازی‌ها و نگره‌های دست و پا گیر خود بگسلد و بدین نشان راه بازگشت هر گونه سنن و اخلاقیات کهنه و مردود را سد کند. از همین رو بود که جمهوری اسلامی در اشاعه و رواج دیدگاه‌ها و ارزش‌های پوسیده و زن ستیز خود قسماً با استقبال و همراهی اقشار سنتی جامعه مواجه گشت و بار مقاومت عمدتاً به دوش بخش‌های متجددتر کارگران، اقشار میانی و مرفه جامعه افتاد.

فوق رارعیات نکرده باشد، اگر توقیف کامل نباشد، تحمل "حک و اصلاحاتی" است که بعضاً به مضحک و بی‌معنی شدن آن می‌انجامد. بلایی که اخیراً بر سر بوف کور صادق هدایت آمد، آخرین نمونه این "تعدیل" هاست. آقای رفسنجانی چندی پیش در جمع دانشجویان در پاسخ به سؤالی در باره آزادی معاشرت عادی دانشجویان دختر و پسر گفت: "حرف زدن آنها اشکالی ندارد. در نظامی که برای معاشرت عادی انسانی زن و مرد هم رئیس جمهورش باید اظهار نظر کند، چه جای برای انعکاس واقعی احساسات و عواطف زن و وی با زتاب واقعی (یا تخیل آمیز) زندگی انسان‌ها در آثار هنری باقی می‌ماند؟"

بهرام بیضانی کارگردان معروف سینمای ایران، ۹۸ سال پیش به هنگام ساختن فیلم "شاید وقتی دیگر" با مشکل عجیبی روبرو می‌شود: سانسورچیان جمهوری اسلامی از وی می‌خواهند که از بازی سوسن تسلیمی در فیلم خود صرف نظر کند. علت را از زبان بیضانی بشنویم: "میگفتند جذاب است، یکی از مشکلات این است که هر چند بیضانی به جذابیت جنسی تعبیر می‌شود. (آدینه ۲۵) خواست سانسورچیان با ایستادگی و با فشاری بیضانی برآورده نمی‌شود. اما روال و موضوع شاید وقتی دیگر به گونه‌ای بود که می‌بایست یک بار زن و مرد فیلم را در اتاق خواب خویش مشغول گفتگو نشان دهد. بیضانی بخاطر آنکه مجبور به حذف این صحنه واقعی و ضرورتش بود، فصل زمستان را برای فیلم برداری انتخاب می‌کند تا پوشش کامل مرد و حجاب اسلامی هنرپیشه زن در اتاق خواب تا حدودی مزجه جلوه کند!

این بگرویند و او قید و بند‌ها کار را به جایی رسانده که اگر در فیلمی یک هنرپیشه زن زیبا و یا یک مرد خوش تیپ بازی کند و یا حضوری ملموس از خود نشان دهد، مردم و بویژه پسران و دختران جوان آن را غیر متعارف و استثنائی ارزیابی کرده و با اشتیاق به دیدن فیلم می‌روند. در سال‌های اخیر فیلم‌هایی همچون "عروس" و "یا بر خورده" به رغم درون مایه و سناریوی سطحی و بی‌ارزش، تنها به خاطر ویژگی فوق‌سی میلیون تومان فروش کرده‌اند. هوشنگ حساسی منتقد سرشناس سینما در این باره می‌گوید: "این فیلم (عروس) ارزش سینمایی ندارد، اما چیزهایی دارد که به فروش فیلم کمک کرده‌اند. از جمله زیبایی هنرپیشه زن فیلم و تیپ خوب بازیگر فیلم. یعنی این خود فیلم نبود که کار کرد، دیدن زیبایی هنرپیشه‌ها کارایی داشت. (پویشگران - شماره ۱۵)

در واقع حساسیت عوامل سانسور و موران مبارزه با منکرات جمهوری اسلامی به آنجا منجر شده که جامعه برای خواندن و دیدن مسائل و حرف‌های خرافاتی و مردسالارانه در جامعه ما که از پس انقلاب مشروطیت و به ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تا حدودی رنگ باخته و یا دستخوش تحول شده بودند، با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی دوباره با شدت بیشتری احیاء شده و مرقعیت و منزلت زنان ما قسماً تا سطح سال‌های سده پیش تنزل یافته است. راست این است که تغییر و تحول در نگاه جامعه نسبت به زن در دهه‌های پیش از انقلاب تا حدودی سطحی بود و در همه زوایای شعور اجتماعی و فرهنگی مردم رسوخ نکرده بود. علاوه بر آن کاسته شدن از قید و بند‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در مورد زنان بیشتر به شهرهای بزرگ محدود می‌شد و شتاب زدگی، نسجیدگی و فقدان چشم‌انداز در بر نامه‌های توسعه رژیم پیشین مانع از آن بود که شعور و ذهنیت اجتماعی و فرهنگی جامعه کیفاً و فراگیر، آرازی‌ها و نگره‌های دست و پا گیر خود بگسلد و بدین نشان راه بازگشت هر گونه سنن و اخلاقیات کهنه و مردود را سد کند. از همین رو بود که جمهوری اسلامی در اشاعه و رواج دیدگاه‌ها و ارزش‌های پوسیده و زن ستیز خود قسماً با استقبال و همراهی اقشار سنتی جامعه مواجه گشت و بار مقاومت عمدتاً به دوش بخش‌های متجددتر کارگران، اقشار میانی و مرفه جامعه افتاد.



مسائل و حرف‌های متنوعه" به وسوسه و افراط بیفتد و انواع و اقسام فیلم‌های پورنو و مجلات و کتاب‌های مبتذل به وفور (در رخفا) دست به دست شود. گفتن ندارد که این افراط‌ها واکنشی است در برابر کنش جمهوری اسلامی که به عبارت دیگر "در آنجا (ادارات مربوطه) کسانی نشسته‌اند مازیک به دست و پا می‌زنند که خلاف عفت عمومی است خط می‌کشند، برای آنها فرقی نمی‌کند که این عکس تصویر چاپ شده اثری از گوگن باشد یا جمال مانکی‌بنگه دنیایی، بر سر مجسمه داوود میکل آنژ همان می‌آید که بر سر فرشتگان سقف کلیسای بهمان یا حتی بودای معبد فلان غار، حتی دیده‌ام که با دقت تمام یک دسته تمبیرا تعدیل فرموده‌اند. همین میزان را در کتاب‌های ترجمه شده، در کار جویند و نمی‌دانم کوندرا و حتی تجدید چاپ شده آثار معاصر عمل کرده‌اند یا می‌کنند. ... می‌بینید که ما را از دیدن یک مجله جدی محروم می‌کنند که مثلاً در دنیا بلیسی پوری هم وجود دارد. هزار یک کتب "باید چاپ شود، چون الفیه و شلفیه‌ای هم هست. (هوشنگ گلشیری - گردون ۲۹-۳۰ ص ۳۰)

مسائلی که گلشیری عنوان می‌کند را می‌توان هر روز و هر سال در نمونه‌های متعددی مشاهده کرد. بعضاً پیش می‌آید که آثاری را که یک بار اجازه نشر و پخش یافته‌اند، دوباره ممنوع می‌کنند. برای مثال رمان "سال بلوا" نوشته عباس معروفی سال ۱۳۷۱ به بازار آمد. این رمان ظاهراً برخی مسائل و موضوعات غیر شرعی را مطرح می‌کند که سانسورچیان جمهوری اسلامی در ابتدا متوجه‌اش نشدند. از جمله نوشا (شخصیت زن رمان) در باره دلدادۀ پیشین خود (حسین) سخن می‌گوید و احساس و عواطف خود نسبت به وی را بازگو می‌کند. قلم بدستان کیهان‌هاوی که خود همچون ما موران اداره ممیزی عمل می‌کنند، با خواندن کتاب تقدی بر آن نوشته و با فریاد و اسلاما وزارت ارشاد را از "ضربه‌ای" که سال بلوا به ایمان و عفت عمومی وارد آورده، با خیر ساختند. نتیجه آنکه "چهل روزی می‌شود که سال بلوا به محاق افتاده و نمی‌شود فهمید چرا. آخر چاپ اول این کتاب سال گذشته درآمد و هر که را می‌بایست فاسد می‌کرد لابد تا به حال کرده است." (گردون ۳۱-۳۲ ص ۴)

در چنین شرایطی هنرمند یا باید اندیشه و تخیل خود را سانسور کند و به خواست سانسورچیان جمهوری اسلامی گردن نهد و یا باید از پخش و نشر اثر هنری خود چشم‌پوشی کرده و به قطع ارتباط با مخاطب خویش تن در دهد. کسی که پراگماتیسم بی‌حدومرز را در عرصه هنر پرنمی‌تابد و به آزادی هنر و آفرینش‌های هنری در وجه کلی آن پایبند است، ناچار است که در

جمهوری اسلامی عمدتاً از راه دوم را در پیش گیرد. در این راستاست که محسن مخملباف که زمانی از مفاخر جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد، از آنجا که فیلم‌های اخیرش قسماً به خاطر طرح مسائل عاطفی در آنها اجازه نمایش نیافته‌اند، از ساختن فیلم غیر مستند دست می‌کشد. علیرضا اسپهبد نقاش و گرافیک‌ساز مطرح ایران از نمایش عمومی تابلوهای خود خودداری می‌کند، چرا که سانسور و خود سانسوری حاکم بر آفرینش هنری روند آفرینش و شکوفایی هنرها را مختل می‌کند. من مدت هاست که آثارم را در نمایشگاه‌ها عرضه نمی‌کنم، چرا که اعمال سانسور و بازبینی بر اثر هنری را نمی‌پذیرم و هنر را برتر از ضوابط و ذهن و درک سانسور می‌دانم. (آدینه ۸۷-۸۶ ص ۴۲)

جلد ششم کتاب "کوچه احمد شاملو" صرفاً به خاطر ثبت ضرب المثل‌ها و ترکیبات زبانی رایج در میان مردم عادی سال‌ها مانده در کبج انبارها محکوم می‌شود، بهرام بیضایی بخاطر فشارها و تنگناهایی که سانسور برای ساخته‌های سینمایی فراهم می‌کند، ناچار است که تنها به نوشتن و انتشار کتاب رضایت دهد زیرا "یک کتاب بیش از دو، سه هزار یا چهار هزار فروش نمی‌رود و روی کتاب به اندازه تشاوت سینما سخت‌گیری نیست." (سیدار ۱۱-۱۰) و خانم مترجمی که قبلاً آثار خوب و باارزشی به فارسی برگردانده و اینک به ترجمه آثار بیلیسی مشغول است در پاسخ به پرسشی درباره این تغییر رویه از جمله می‌گوید: "آثاری که بیشتر خواننده‌ام و حالا به قصد ترجمه آنها را می‌خوانم، می‌بینم تا کزیرم در بسیاری از آنها رابطه زن و مرد را که جزئی از زندگی آدم‌هاست، ابزار شناخت است، حذف کنم. (یعنی باید) سرخود بنشینم و اثر خلاقه آدمی دیگر را مثل من نمی‌توانم، تا به حال نتوانسته‌ام." (فرزانه طاهری در گفتگوی آدینه ۸۷-۸۶)

از ابتدای پیوسته اندیش انسان اندیشه و رز، هنرپیشه (مستقیم یا غیر مستقیم) با وی همراه بوده، از زندگی او تأثیر پذیرفته و بنویس خود متأثر شده است. اما در زمانه ما تفکر عقب مانده حاکم از هنرمندان می‌خواهد که بر پیشانی عمده‌ای از زندگی چشم ببندند، خنده و شادی و خلجان روحی و عاطفی انسان‌ها و دلبستگی‌های رامکتوم گذارند و تنها به توصیف عزا و ماتم و مرگ بسنده کنند. و این یعنی تبعید بیست و بلند زندگی از عرصه هنر و قید و بند نهادن بر پای آن. تجربه اما نشان می‌دهد که سرشت آزاده و قیدناپذیر هنر واقعی با این محدودیت‌ها سرسازگاری ندارد و با ایستادگی و ایجاد درخت در موانع و سدهای ساختگی هنرستیزان، سرانجام آنها را در خواهد نوردید.

داوری پیرامون عمل و حرکت مجاهدین خلق، برای من - و فکرمی کتم برای همه کسانی که اشتی جوی را مسئولیت مهم خود می‌پندارند - روزبه روز دشوار و دشوارتر می‌شود. یک دلیل ساده این روند به واکنشی بازمی‌گردد که مجاهدین در قبال منتقدین - و بلا استثنا - از خود نشان می‌دهند. واکنشی سخت کینه توز و عیوس که یگانه هدفش بسیج هواداران برای زرفش دشمنی‌ها و دریدن هر نوع زمینه همزیستی زیرسقف یک کشور یا حتی یک دنیاست.

بیم چنین واکنشی من - و نیز بسیاری از اعضای سازمان ما - در موارد بسیاری به "احتیاط" و "سکوت" دعوت کرده است. درست همان گونه که تأثیر این واکنش بر کسانی که اشتی جوی را هیچگاه نیازمزم زمان ندانسته‌اند، کنشی مشابه در قالب فرهنگی مشابه بوده است. کنشی که در رفتار سیاسی افراط گرایان چپ، در میان حزب اللهبان و در بین مدعیان رژیم شاه نمونه‌های آن کم نیست.

اما در هر حال این حکم را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که سکوت و احتیاط نه تنها چاره ساز نیستند، بلکه در اغلب موارد برای "بشمینه پوشان تند خو" مطلوب ترین واکنش تلقی شده و حتا مغررش راه آنان شده است. تجربه تاریخی، چه در انقلاب بهمن، چه در سال ۴۲ و چه در مقیاس جهانی، به خصوص تجربه تلخ سوسیال - دموکراسی در دهه ۳۰ همه و همه می‌گویند جنبش دموکراتیک، تنها از طریق روشن گری، از طریق ایستادن بر اصول خود و ترویج پی گیرانه و شجاعانه آرمان‌های خود قادر خواهد شد با تهدید خشونت مقابله کند و کار را به آنجا نکشد که جز تحمیل یک دوره جدید استبداد هیچ آینده دیگری بر کشور متصور نباشد.

در قبال این ارزیابی نظر بسیاری از ایرانیان اینست که ولی مجاهدین بیش از آن بل‌های ارتباط با مردم را پشت سر خراب کرده‌اند که قادر شوند محور تکرار تجربه‌های تاریخی تلخ گردند.

در این مورد من نظرد دیگری یافته‌ام:

اولاً در شرایطی که اوضاع ایران از شکست سیاست تعدیل و از سیر متحد حوادث به سوی حدت گیری بحران خبر می‌دهد، هرگز نباید به این دلخوش بود که مردم قادر خواهند شد و یا حتا آماده خواهند بود جلوی تکرار تجربه‌های تلخ را بگیرند و یا بر حافظه دوروزد یک خود متکی شوند. در یک اوضاع فوق العاده بحرانی هیچ یک از راه‌های فوق در دسترس - به شمول خونریزی بیشمار و یا مداخله نظامی از خارج - منتفی نیست. بویژه که در اطراف کشور ما همه جا شعله‌های خونریزی است.

بعلاوه مجاهدین یک ویژگی نیز دارند: آنها طی دهه اخیر به همان میزان که صحبت و رابطه با افکار مختلف را رها کرده‌اند، به انکابه عوامل منطقه‌ای و بین المللی روی آورده‌اند. عواملی که در یک شرایط بحرانی ممکن است انتقال آتش به گوشه‌هایی از ایران را هم در راستای منافع خود بپند.

ثانیاً در شرایطی که روند ها در سازمان مجاهدین در سمتی پیش رفته است که با پوربه سازمان خویش و درایت و خرد و صداقت رهبری آن در ذهن هزاران مجاهد خلق جنبه مطلق به خود گرفته است و راه را بر هر نوع تنوع آراء، افکار مستقل و گرایش نقاد سد کرده است، هر نوع سکوت و یا احتیاط در زمینه مسائلی که در این سازمان می‌گذرد عملاً معادل است با بی‌اعتنائی به هزاران جان شیفته‌ای که با صداقتی مطلق و شیدا گوش به فرمان سازمان خویش دوخته‌اند.

زمانه مسئولیت اخلاقی سنگینی در رابطه با مجاهدین بردوش روشنفکران آزاد بخواه و اصلاح طلب ایران گذاشته است.

یک پیشنهاد خوب اینست که مجاهدین به بحث آزاد ورود در رویا ساینده‌های اپوزیسیون فراخوانده شوند. احتمال این که مجاهدین پیشنهاد بحث با غیر خودی‌ها را نپذیرند چنان که سال ۶۰ هم نپذیرفتند - نباید مانع طرح آن شود. آنها بسیار مایلند که مسئله این طور وانمود شود که گویا تمام مخالفین واقعی رژیم در شورای ملی مقاومت متحد شده‌اند و بقیه، عوامل رژیم خمینی‌اند و لذا بحث با آنها جایز نیست.

این ادعا فقط تا زمانی می‌تواند در فکر ساده مجاهدین چون یک باور عمل کند که به طور جدی طرح و پی گیری نشده باشد. به نظر نمی‌رسد که آشکار کردن این واقعیت که در ایران کسانی نیز هستند که نه رهبری مسعود رجوی را قبول دارند و نه رهبری علی خامنه‌ای را برای ذهن مجاهد غیر ممکن باشد. و نیز به نظر نمی‌رسد باور قلبی مجاهدین بسیاری این باشد که در ایران برای کسانی که رهبری رهبران را نمی‌پذیرد جایی نیست و یا بحث با آنها جایز نیست.

امکانات بین المللی نیز در ترغیب مجاهدین به پذیرفتن بحث آزاد می‌تواند نقش بعدی ایفا کند. فعالین دموکراتیک می‌توانند در ارتباط با احزاب سیاسی کشورهای اروپایی و آمریکایی از آنان بخواهند که رهبری مجاهدین را برای پذیرفتن بحث آزاد با مخالفین مورد سوال قرار دهند. مجاهدین کوشش بسیار دارند که احزاب اروپایی سیمای یک نیروی تمامیت گرا از آنان را در ذهن خود وارد نکنند. من تصور نمی‌کنم مجاهدین خلق آمادگی داشته باشند. هر گاه پیشنهاد بطور جدی طرح باشد به اروپائیان این طور القاء کنند که آنها تحت هیچ شرایطی حاضر به گفتگو با کسی نیستند.

از سوی دیگر مجاهدین نه تنها در سخن خود را آلترناتیو رژیم می‌دانند و زمان به حکومت رسیدن خود را

کوتاه تصور می‌کنند، بلکه در عمل نیز بر این شبه‌اند که اسباب آن، اعم از رئیس جمهور و کابینه، تا مجلس و برنامه دولت و غیره و غیره همه را می‌پندارند. آنها حتا از هم اکنون به مجامع بین المللی خود را "نماینده ایران" معرفی می‌کنند و از آنان می‌خواهند که آنها را به این عنوان به رسمیت بشناسند!

هیچ یک از دیگر نیروهای مخالف رژیم به شمول همه آنها که در داخل کشورند از این کارها نکرده‌اند و چنین خیال بافی را هم واقعی نمی‌دانند. بسیاری از آنها پاسخ مشخص به این سوال که: اگر به قدرت برسند ایران را چگونه اداره خواهند کرد، را نیز به تصمیم مجلس مؤسسان موکول و به تأکید روی برخی سیاست‌ها و جهت گیری‌های کلی بسنده می‌کنند.

اما مجاهدین در وضعی نیستند که چنین پاسخ‌هایی ارائه دهند. ذهن مجاهد که خواستش رجوی، ایران - ایران، رجوی است، در برابر سوال مردم و جهانیان، خود را به پاسخ گوئی - یا دقیق تر بگویم به انتخاب مجبور می‌بیند. او باید به سوی یک انتخاب مشخص هدایت شود و نمی‌تواند نشود. ذهن مجاهد باید از هم اکنون به این انتخاب برسد که سایر ایرانیان یعنی آنها که مجاهد نیستند - حق یا "شایستگی" اطلاع و پرسش درباره سرنوشت خود تحت حکومت وی را دارند یا ندارند.

در ذهن آنان این باور دیگران که اگر مجاهدان به قدرت برسند احزاب سیاسی را قطعاً سخت تر از دیگران

عظیم، گزهر گرانها، دریای ژرف، کوه سربه فلک کشیده، آسمان لایتناهی و آتشفشان خاموش نا پذیر است که شما تا کنون فقط بخش بسیار ناچیز و جزئی از آن را که در حیطه نظر تان بوده دیده‌اید و قسمت اعظم آن ناپیدا است.

توصیف فوق پاسخ خانم مریم رجوی، همسر مسعود رجوی و رئیس جمهور منتخب مجاهدین به سوال ماست که در آستانه انتقال به فرانسه رسماً اعلام کرده است. آقای رجوی از جانب مجاهدین رسماً به عنوان رهبر مقاومت ایران معرفی و شناخته شده است و شعار "رجوی ایران ایران رجوی برپیشانی آن سازمان همچنان خصلت نماست."

لاکن نه آن کوه سربه فلک کشیده، نه عنوان رهبر مقاومت ایران و نه شعار "رجوی ایران" هیچ کدام پاسخ سوال من نیست. اینها هیچ کدام جایگاه حقوقی و قانونی آقای رجوی را در نظام حکومتی که آنها برای ایران در نظر گرفته‌اند دقیقاً تعریف نمی‌کند.

با تغییر و تحولاتی که مجاهدین اخیر پشت سر گذاشته‌اند ظاهراً اکنون تکلیف تمام ساختار حکومتی مورد نظر این سازمان، از رئیس جمهور گرفته تا هیئت دولت و کابینه و مجلس و کمیسیون آن روشن شده است و فقط متأسفانه هنوز روشن نیست که جایگاه حقوقی و

مسعود رجوی کیست؟

فرخ نگهدار

قانونی رهبر اصلی آن در این ساختار کجاست؟ او از جانب مجاهدین رسماً به عنوان "رهبر مقاومت ایران" معرفی می‌شود. به این عنوان کسی معترض نیست. این حق مجاهدین است که رهبر خود را هر طور که می‌خواهند خطاب کنند. سوال و ابهام درباره مقامی است که آنها برای رهبر خود در حکومت خود در نظر می‌گیرند.

آن روز که آقای رضا پهلوی اعلامیه‌ای داد و در آن به تلویح کوشید تا سبب یک رهبری سیاسی با عنوان پادشاه را با هدف استقرار یک دموکراسی مشروطه اعلام کند، من تصریح کردم که اگر وی واقعاً طالب استقرار "دموکراسی مشروطه" است اولین شرط آن این است که مسئولیت رهبری سیاسی را بر عهده رهبران سیاسی واگذار و بداند در مشروطه شاه سلطنت می‌کند نه حکومت که انتخاب دوره‌ای آن حق مردم و معنای آن چیزی نیست جز رهبری سیاسی کشور.

موضوع مرکزی تضاد رژیم موجود با جنبش دموکراتیک نیز همین است. این رژیم خود را جمهوری نامیده است، حال آنکه انتخاب رهبری، یعنی حکومت واقعی، خارج از دایره حق انتخاب مردم است. در این رژیم قانون به مردم فقط حق دادهاست که هر چهار سال یک بار رئیس جمهوری را انتخاب کنند که حق رهبری کردن کشور، یعنی حق حکومت کردن بر آن را ندارد و خود تابع و فرمانگزار شخص دیگری است که مردم شایستگی رای دادن به وی را ندارند. حکومت مطلقه فقیه عین استبداد سلطنتی است.

زمانی بود که آقای رجوی داوطلب ریاست همین جمهوری اسلامی شد که ما نیز از وی حمایت کردیم. بعداً پس از کودتای ضد بنی‌صدر او خواهان نخست‌وزیری شد و پست ریاست جمهوری را به آقای بنی‌صدر واگذار کرد. پس از جدائی از بنی‌صدر تصور عموم این بود که احتمالاً وی خود را شایسته تر دانسته و پست ریاست جمهوری را برای خود خواسته است. (شنیدم که بعضی‌ها حتا بر این حدس بودند که می‌خواهند مهدی ابریشم‌چی را نخست‌وزیر کنند). می‌بینید که در این ایام او مقام حقوقی معینی دارد که شایسته انتخاب مردم است. در این ایام او یک جمهوریخواه است.

اما در این چند ساله اخیر هم در این حکومت موجود، هم در آن "حکومت در سایه" تحولات بزرگ رخ داد. باروبه مرگ رفتن خمینی و وحدت خامنه‌ای و رفسنجانی مقام معظم رهبری و پست ریاست جمهوری میان آندو تقسیم شد. آندو با اصلاح قانون اساسی اختیارات رهبری را به عرش بردند و پست نخست‌وزیری را هم، که تا آن زمان حداقل یک رکن حکومت محسوب می‌شد، حذف و اختیارات آن را به رئیس جمهور واگذارند.

در سازمان مجاهدین از پی انقلاب ایدئولوژیک، وحدت مسعود و مریم اعلام شد و ارائه آرایش تازه در یافت و ساختار نظام حکومتی در دستور قرار گرفت و در فرجام کار با شور و شوق بسیار همان فرمول "رهبری - ریاست جمهوری" با تیریک به ملت ایران اعلام شد.

من و بسیاری مدتی بر این خطا رفتیم که پنداشتیم در محور خامنه‌ای رفسنجانی‌وزنه بیشتر می‌تواند نه به سوی رهبری که به سوی ریاست جمهوری بچرخد. ولی شواهد

بسیار این تصور ما را ونیز بسیاری از غربیان را به سرعت باطل کرد. اما در مورد فرمول ارائه شده از جانب مجاهدین از همین ابتدا رئیس جمهور خود زمینه هر گونه خطا را بر طرف کرده است. او درباره مقام رهبری خطاب به مجاهدان می‌گوید: "مسعود گنجینه‌ای عظیم، گزهر گرانها، دریای ژرف، کوه سربه فلک کشیده، آسمان لایتناهی و آتشفشان خاموش نا پذیر است که شما تا کنون بخش ناچیز و جزئی از آن را..."

وقتی از خود مجاهدان خواسته می‌شود که رابطه دو سر محور رهبری - ریاست جمهوری را رابطه کوه و گاه تصور کنند تکلیف ما مردم ایران از قبل مدتی قبل از وقوع حادثه نیک روشن است: اگر حادثه رخ دهد به ما حق خواهند داد که گاهی را به ریاست جمهوری برگزینیم که سجده گر کوهی سربه فلک کشیده است. کوهی که حق انتخاب وی، حتا تکان دادن وی از جایگاهی که برگزیده است از مردم ایران سلب شده است. این کوه حق رهبری، یعنی حق حکومت بر مردم ایران را از آن خود دانسته است اما این مردم را دیگر شایسته آن نمی‌داند که در انتخابات دوره‌ای وی را به رهبری خویش برگزینند یا نگزینند.

سال ۵۸ در آن روزهایی که همگان را هنوز به اصلاح از درون امید می‌بود، نورالدین کیانوری گفته بود که نظریه باوری که به رهبری خمینی دارد ولایت را فقط در حیات وی می‌پذیرد و این نه فقط اعتقاد وی که اعتقاد میلیونها بود. پرستش آوازه خوان آواز را نیز داوود می‌نمود. اما زندگی چیز دیگری اثبات کرد.

زمان، فرشته آزادی را هم ساگر جامه ولایت، یا ردای سلطنت، یا هر رخت دیگری که گزیده مردم نیست بر تن کند. امر می‌دهد که یا آن رخت بسوزد و یا خود دیو شود.

کرده مجاهدین با زهم غم انگیز تراست. آنها نه تنها حق انتخاب مردم، که مقام زن در برابر مرد، حتا مقام همسر در برابر همسر را هم بچ کرده‌اند؛ و در بسیاری انظار، این بر قدامت مجاهدین آن شورای زشت کهنه ایست که حتا روی پوش آن رخت استبداد است.

اصلاً نمی‌توانم بگویم رابطه‌ای که این دو نفر به عنوان دو همسر با هم برقرار کرده‌اند بر من بی‌تأثیر است. اما موضوع بحث من با مجاهدین فعلاً این وجه از رابطه خدایگان و بنده نیست؛ اما نه من و نه هیچ یک از ایرانیان نمی‌توانیم نسبت به رابطه‌ای که این دو نفر به عنوان رهبر و رئیس جمهور با یکدیگر برقرار کرده‌اند، و به عنوان مدعیان حکومت می‌خواهند با ما برقرار کنند خاموش بمانیم.

مجاهدین با این تیرا خیر قلب محور خامنه‌ای - رفسنجانی را نشانده رفته‌اند، اما نه برای تخریب محور رهبری رئیس جمهور، که برای تصاحب آن. در بافتار فکری تازه مجاهدین حکومت - یعنی رهبری سیاسی کشور - ناشی از رای و اراده ملت، که و دبعده‌ای الهی است که به امانت، اما برای تمام عمر، نزد کسی که شایسته است سپرده می‌شود.

اگر مسعود رجوی رهبری را می‌خواهد، اما نه به رای مردم، پس جمهوریخواه نیست. اگر او رهبری را می‌خواهد، اما به رای مردم، پس چرا از ریاست جمهوری و نخست‌وزیری کناره می‌گیرد. و اگر اصلاً ترک رهبری کرده است پس این شعار رجوی ایران دیگر به چه معناست.

انصراف آقای رجوی از پست ریاست جمهوری مهمترین تصمیم سیاسی منفی در تمام طول حیات اوست. او دیگری جمهوریخواه نیست.

اما طین آن صدا همچنان در گوش هاست: "رجوی ایران، ایران رجوی" و این تنها صداست که می‌گوید مسعود رجوی کیست.

مجاهدین جمهوریخواهانی صادق و بشرو و پرچمداران انقلابی بزرگ در حیات احزاب سیاسی ایران شناخته می‌شوند، هر گاه در مسیر تکامل خویش یک زن را شایسته رهبری خویش و انتخاب مردم می‌یافتند.

آنگاه بر استی تبریک ملت ایران شایسته نام مجاهد بود.

سازمان مجاهدین خلق ایران در ابتدای تأسیس تجمع سه نیروی نهضت سوسیالیستی، نهضت ملی نهضت مذهبی ایران گرد یک نهضت را هدف قرار داد. ام در طول حرکت تاریخی نه تنها از این هدف بازماند، بلکه میان خود و آنان بتدریج دریای ژرف پدید آمد که پسر زدن آن در نظر بسیاری دیگر ناممکن می‌تواند.

اما آرزوی من این است که این ناممکن نشود. چرا که اگر جز این شود، آنگاه آنان نه قادر خواهند شد رکن سیاسی تازه‌ای بر چهار رکن موجود جامعه سیاسی ایران بیافزایند و نه قادر خواهند بود آنگونه که اکنون با طرح محور رهبری رئیس جمهور عزم کرده‌اند یا خلع لباس آشاخه روحانی نهضت مذهبی ایران، آزادی را جایگزین آن سازند. و امیدم این است که آغاز بحثی جدی با آنان در راستای همان فکری تأثیر کند که نخستین مجاهدین در سر داشتند. ۹ بهما ۱۳۷۲

تذکره ضروری
۱- مقالات و جعبه در صفحات "دیدگاهها" یا دیگر نظریات نویسنده گان آنهاست که برای اطلاع خوانندگان تشریح از دیدگاهها و مختلف درج می‌شود و توضیح کار حساب نمی‌آید.
۲- هیئت تحریریه کار از نویسنده گان مقالات برای صفحات "دیدگاهها" درخواست می‌کند که مطلب خود را بگونه‌ای تنظیم کنند که حوض آن بیش از یک صفحه نشر به کار نیفتد.
۳- نشریه کار و خلاصه کرده مقالات و نامه‌های دریافتی مجاز است.

واقعیت این است که مسعود گنجینه

پوراندخت:
من قصد ندارم سنگ سود خود را بر فرق کسی بکوبم،
و می‌دانم که منظور شما نیز نه یک فرد بلکه کلیت جریان
سلطنت خواهد است. با این همه گمان می‌کنم هر یک از ما
بگونه‌ای سود خود را به جیبه‌ای که در سیاست اختیار
می‌کنیم می‌زنیم و این کار نادرستی هم نیست. من می‌دانم
بحث درباره شاه و سلطنت پیرامون وجوه بنیادین،
پیرامون ژرف‌ترین اجزاء این بحث متمرکز شود و کمی
بیشتر، در جهت سود طرفین تداوم یابد. شما آقای
ممبینی آیا هنوز چریک هستید؟

آیا در مفهوم واژه‌ای واقعی آن فدا می‌شوید؟
نه! این واژه و مفهوم آن با همه اصول فکری و
شخصیت من مغایر است.
خلق را چه فکری کنید؟ آیا همان باور قدیم را به آن
دارید؟

پاسخ این سؤالات من منفی است، اگر چه می‌دانم
تله‌ای در کار است!

با این همه، شما هنوز عضو یک سازمان قبیله‌چریک و
امروز فدا می‌شوید و همیشه خلقی هستید. راستی چرا؟ به ویژه
چرا شما همچنان این نام را که می‌دانم اکثریت آن امروز
آن را نمی‌پسندید با خود حمل می‌کنید؟ چرا این همه بر
سر تملک نام قدیمی ترین گروه‌ها و احزاب سیاسی
درگیری پیش می‌آید؟ می‌دانم که پاسخ ما یکی است.
این نام‌ها شناخته شده، دارای اتوریته، دارای تاریخ و
دارای جایی در جان جامعه هستند. این نام‌ها هر یک خود
جانی دارند و تروتنی محسوب می‌شوند. غیر از این است؟
همین انگیزه باعث می‌شود که ما این نام‌ها را، یا این
اتوریته‌ها را حفظ کنیم. حال، اگر شما حساب کنید که هر
نام برای کسب اتوریته خود چند سال تاریخ و چند
ماجرای تاریخی را سپری کرده است، و اگر طول این
تاریخ و حوادث این تاریخ را در کم و کیف اتوریته هر نام
تعیین کنید بدانید، آنگاه، با یک مقایسه بین تاریخ نام و
اتوریته شاه با تاریخ نام و اتوریته هر جریان سیاسی دیگری
می‌توانید میزان ریشه دوانی و استحکام پدیده شاه را در
روان مردم حدس بزنید. شاه شیخی است حاضر در
حضور توده‌ها. این شیخ چیزی است و برای شخصیت هر
شاه. پس از آشکار شدن نتایج خونین انقلاب ایران، این
شیخ زخمی دوباره، و این بار واقعاً در پناه احساسات
مثبت مردم جان گرفته و به راه افتاده است. مسئله این
است، در کنار پدیده دادر سود خود خواهان کسانی
هم هستند که سود جامعه و مبین رومی خواهند بود و به خاطر
آزادی و دموکراسی، و حتی به خاطر رادیکال‌ترین مفهوم
دموکراسی می‌کوشند تا از قدرت جادویی و اعتبار
سحرآمیز این شیخ چند هزار ساله بهره‌جویند. اینان
می‌خواهند از این شیخ نیرومند علیه یک شیخ نیرومند
دیگر، که آن هم چند هزار سال تاریخ پشت سر خود دارد و
اکثون حاکم است، به سود دموکراسی و آزادی بهره
بگیرند. چنین تلاشی گویای کمال مفهوم سیاست است.
نقش کسی چون رضا پهلوی همچون نقش یک وسیله
احضار شیخ است و نقش کسانی چون بختیار، شفا و امینی
و غیره همچون نقش احضار کننده آن روح یا شیخ
و دیگر، چه کسی گفت که اتوریته و اقتدار این شیخ
تاریخی جبراً در خدمت یک گروه، در خدمت گروه
سرمایه دار و ثروت سالار قرار می‌گیرد؟ چرا دیگر
گروه‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌بایست برای تملک این
شیخ بیکار کنند؟ مگر نه این است که با حضور این شیخ و
در حضور این شیخ سوسنیال دموکرات‌ها در سوند و
دموکرات‌ها در اسپانیا و انقلابیون در کامبوج و
آزموده‌ترین پارلمان‌تاریست‌ها در انگلیس برنامه خوش
را پیش برده‌اند؟ از دهاک ستمگر، فریدون دادگر،
کیکاوس عظمت طلب و کیخسرو فرزانه نمایندگان یک
گروه اجتماعی و یک جامعه واحد نبودند. می‌توانید
انتخاب کنید بگذار مردم خود انتخاب کنند، بین شاه و
غیرشاه، و بین انواع شاه.

ممبینی:
من مایل بودم که بحث نخست در عرصه‌های تئوریک
و بنیادی پیش برود و سپس، چنانچه فرصت وسیعی باشد
راهی یا از سیاست روز بشویم. اما، اکنون ناچاریم این
گفتگویی به میان بریده را به جای پرسش‌های وسیع به اصل
بازگردیم.

بار دیگر از باورها

گفتگوهای درباره اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و فرهنگی

درباره شاه و سلطنت

تنظیم از: امیر ممبینی

شاه سایه است و خلق چون پایه
پایه کز، کز افندش سایه
بسیار ساده و رسا. شاه و خلیفه و امیر، سایه خدا
نیستند. آنها کسانی از همین جامعه و برخاسته از فرهنگ و
خوی و خصلت ریشه دوانده در جامعه و جان مردم
هستند. اگر نمونه‌های بسیار استثنایی را کنار بگذاریم
می‌توان گفت که فرماندهان و رهبران جامعه حداکثر
نمونه‌های مبالغه شده‌ای از همین مردم، و حتی گاهی از
عامی‌ترین این مردم هستند. کارل مارکس بت شکن،
برعکس هگل دولت ستا و نیچه سرورپرست، که دولت و
پیشواریا فوق جامعه قرار می‌دادند و برای آنها خصایل
الهی قائل می‌شدند، ثابت کرد که قهرمان‌ها (در مفهوم
عام آن) برخاسته از شرایط جامعه و تابع این شرایط
هستند. آموزش‌های او روشن می‌کند که دولت در وجه
عام آن سیمای جامعه را منعکس می‌کند. یعنی، نه تنها هر
طبقه یا هر ائتلاف طبقاتی دولت و رهبران ویژه خود را
دارد بلکه هر خلق و هر فرهنگی‌ها چار دولت و دولت مردانی
همگون با کم و کیف تکامل تمدن و فرهنگ خود خواهد
داشت. من با احتیاط یک نسبی‌گرایی درستی این احکام
تأکید می‌کنم، و بنا تکیه بر این احکام می‌گویم که از
موقعیت شاه در کشورهای اروپایی نمی‌توان برای موقعیت
خیالی یک شاه در کشوری مثل ایران مثال آورد. مردم
ایران نمی‌توانند پروراندند. یک حاکم موروثی دموکرات
باشند، چون آنها خود دموکرات نیستند. برای چنین
مردمی اقتدار شاه و خلیفه و ولی فقیه و غیره غالباً یک
اقتدار مخنق استبداد است. آنها امکانات ضروری برای
جلوگیری از تبدیل آن اتوریته به استبداد ندارند، و حتی
شاید برعکس عمل کنند. مردم ما عدالت را می‌شناسند و
عدالت خواه هستند، و در تاریخ خود بارها برای عدالت
قیام کردند. اما این مردم آزادی خواه نیستند و آزادی را
نمی‌شناسند و هرگز آگاهانه برای آزادی به یک پیکار
جدی دست نزدند. انبوه توده‌های مانده تنها آزادی واقعی
را نمی‌شناسند بلکه خود با انواع استبداد سرشته
شده‌اند. استبداد در جان جامعه مارشده و مانده و به
یک فرهنگ تبدیل شده است. توده‌های مردم،
توده‌های بیسواد و ناآگاه و متعصب مردم می‌توانند به
دیکتاتورها و دیکتاتورهای بیاموزند. و تنها توده‌های بیسواد
مقصر نیستند. سنت آزادی خواهی واقعی در بین پیشوران
سیاسی جامعه ما نیز به همان نسبت ضعیف است. تا قبل از
سقوط شوروی، جز چند جریان لیبرال، سایر احزاب و
سازمان‌های سیاسی همگی آشکارا بدون قطره‌ای عرق
شرم بر یکی از چین‌های پشانی، خواهان دیکتاتوری
بوده‌اند. آنها دهانوع عجیب دیکتاتوری نیز کشف کرده
و به گنجینه سیاسی ملت افزوده‌اند. امروز نیز، اگر چه
واژه دموکراسی در بازار سیاست روز خریدار یافته است
با این همه هنوز جریان قابل اعتمادی در دفاع از
دموکراسی واقعی یا نگرفته است.

۳ - آیا سلطنت طلبان خواهان دموکراسی هستند؟

به نظر من به پرسش فوق نمی‌توان پاسخ واحد داد.
در اینجا منظور ما نیروهای سیاسی فعال و متشکل
سلطنت خواه هستند. بخش بزرگ و اصلی این جریان‌ها
زیر رهبری خانواده پهلوی، در باریان قدیم، صاحب
مقامات دولتی و ارتشی، بزرگ سرمایه داران و مدیران
اقتصادی و دیگر همسودهای بزرگ رژیم گذشته قرار
دارند. فعالین اصلی این جریان‌ها و حتی بزرگترین بخش
نیروهای تشکیل دهنده این جریان‌ها نیز از همسودهای
رژیم گذشته هستند. این جریان‌ها شالوده اقتصادی،
سیاسی دیکتاتوری در رژیم گذشته بوده‌اند و امروز نیز نه
نمی‌خواهند و نه می‌توانند شالوده رژیمی در پایه متفاوت
باز رژیم قبلی باشند. انگیزه اصلی این جریان‌ها سود
خودشان و سودای خودشان است، و دموکراسی، اگر هم
مورد استفاده این جریان‌ها قرار گیرد چیزی بیشتر از یک
وسيلة تبلیغاتی و یا یک مفهوم انحصاری، همانند مفهوم
دموکراسی نزد حکومت کنونی نیست.

نقش تاریخی اینان برپا و پشت ما هم می‌تواند یک
دلیل کوچک برای عدم اعتماد ما به این جریان‌ها باشد!

ایرانپور:
آقای دادور، دوست من! حافظه هم مسلکان شما
گویا آنقدر قوی نیست که آن تازیانه‌ها را بیاد بیاورد، و آن
قتل‌هارا، در اوین و قصر، به هنگامی که بانوان زرین کفش
و سروران سراپا آراسته خون از بیاله می‌نوشیدند.
دادور:
آیا جمع ما مبالغه را می‌پذیرد؟
ایرانپور:
نه! اصلاح می‌کنم، برخی از هم مسلکان شما.
دادور:
و بسیاری از هم مسلکان شما.
ممبینی:
و بیسی بیشتر از میان توده‌ها. برف نوبرف کهنه رانها
می‌کنند و درد تازه درد کهنه را. متأسفانه، نه گذشته
انسان دردی می‌کند و آینده انسان، این حال است که در
باره درد و شادی داوری کند!

پوراندخت:
این هم واقعیت است که برخی می‌کوشند عکس آنچه
گفتید عمل کنند. می‌کوشند تیغ گذشته را بر تن حال
بکشند و درد را تازه کنند. آیا همه و همه چیز تغییر پذیر
نیستند؟
دادور:
هستند! امروز، برای ما، کشف این تغییرها و
محاسبه آنها در قضاوت‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. ما
که اینجا نشسته‌ایم همه تغییر کرده‌ایم، این واقعیت
است.

۲ - آیا توده‌ها به خاطر دموکراسی شاه جومی شوند؟

نه! بخاطر دموکراسی نیست که در میان توده‌ها
جریان‌های مدافع یا مایل به رژیم شاهی پدید می‌آید.
چنین جریان‌هایی علیه استبداد حاکم هستند، این
واقعیت است. و نیز این جریان‌ها پدیده‌های زندگی عرفی و
مستعد مبارزه در راه تفکیک دین و سیاست هستند. اما
آنها درکی از دموکراسی واقعی ندارند، و نیز تجربه‌ای در
این زمینه ندارند. آنها در یک مقایسه ساده بین امروز و
دیروز به سود گذشته نظر می‌دهند، کاری که اکثر ملت
می‌کند، و از همین جا خواهان بازگشت به آن گذشته
می‌شوند، بی‌کم و کاست و بدون در نظر گرفتن خوب و بد
آن گذشته و امکان و عدم امکان احیای آن. احیاء گذشته
نزد این توده‌ها گاهی همچون یک انتقام ساده از امروز
جلوه‌گر می‌شود، یک عکس العمل تند و نومیدانه، یک
واکنش آنی در برابر کنشی ستمگرانه، بنابراین، اگر چه در
باخت چنین جریان‌های توده‌ای، لیبرال‌ها و دموکرات‌ها
را هم می‌توان رصد کرد اما خود این جریان‌ها رانمی‌توان
دموکرات یا خواهان دموکراسی‌آرزیایی کرد و برای
دست‌یابی به دموکراسی به آنها متکی شد. دریافت این

از سوی این نیروها به اندازه قابل اعتمادی استوار شده
است چرا آنها همیشه و همواره از شاه و رژیم شاهی
شروع می‌کنند و دموکراسی را به مثابه زائده‌ای بر آنچه
رژیم مشروطه می‌نامند پیش می‌کشند؟ چرا به خاطر
دموکراسی گامی پیش نمی‌گذارند و به دفاع از جمهوری
پبردانند؟ آیا قابل انکار است که به لحاظ ساختاری
جمهوری از سلطنتی دموکراتیک تر است؟ مگر نه
اینکه بخاطر دموکراسی، کشورهای پیشرو دموکراسی
جمهوری را جایگزین پادشاهی کردند؟ آیا تا کنون عکس
آن دیده شده است؟ آیا عاملی غیر از منافع انحصاری
سلطنت و سلطنت خواهان در ایران و مخالفت آنها با یک
دموکراسی رادیکال این نیروها را به تداوم دفاع از رژیم
سلطنتی وامی‌دارد؟
دادور:
به اعتقاد من با تمام دلایلی که می‌توان نادرست بودن
قرار گرفتن یک ولی فقیه در رأس هرم جامعه را ثابت
کرد می‌توان نادرست بودن قرار گرفتن یک شاه در رأس
هرم جامعه را هم ثابت کرد. اصولاً، از تفاوت تاج و
عمامة که بگذریم، چه تفاوتی بین جایگاه شاه ولی فقیه
امروزه در جامعه وجود دارد؟ آیا غیر از این است که ولی
فقیه شکل اسلامی‌شاه، یا همان خلیفه قدیم است؟
پوراندخت:
ولی فقیه منتخب کاست روحانیت است و در خدمت
منافع آنهاست.
ممبینی:
شاه که منتخب هیچ کس نیست.
پوراندخت:
شاهی که منظور نظر مشروطه خواهان است انتخابی
است. آنها می‌گویند که انتخابات آزاد صورت گیرد و در
این انتخابات شاه و نظامی‌شاهی هم یک کاندید هستند.
آنها به رأی مردم احترام می‌گذارند.

ممبینی:
آیا ممکن است بفرمائید چند تا شاه برای این
انتخابات شگفت انگیز خود را کاندید کرده‌اند؟
ایرانپور:
سه شاه، آقای خامنه‌ای، آقای پهلوی و آقای
رجوی.
دادور:
ما هم در صف رأی دهندگان نام نوشته‌ایم!

ممبینی:
تناقض شگفتی است. اگر حکومت موجود آنقدر
دموکرات و لیبرال بشود که نه تنها انتخاب آزاد مقامات
دولتی بلکه انتخاب آزاد کل رژیم را بپذیرد، و آن هم
بپذیرد که با خیر و خوشی همه و از آن جمله جریان
سلطنت خواه و شخص رضا پهلوی آزادانه در مبارزه
انتخاباتی شرکت کنند، آنوقت آیا نادان‌ترین مردمان هم
به این نتیجه نخواهند رسید که امروز بهتر از دیروز است و
این رژیم از آن رژیم دموکرات تر و مردمی تر است؟ و آیا در
چنان صورتی به جز نتایج پدید خواهد شد که سلطنت سرنگون
اشرافیت سرمایه دار و یک جریان پس مانده توده‌ای
کسی را به صندوق سلطنت خواهد ریخت؟ به کدام
دلیل اگر مردم حق انتخاب آزادانه رژیم را پیدا کنند به
رژیم آزاد مبتنی بر رأی خود رأی نخواهند داد و به رژیمی
رای خواهند داد که مافوق رأی اراده آن‌ها را قرار بگیرد؟
نه! بازی آن چنان که طراحان آن گمان دارند پیچیده
نشده است. هر سلطنت خواه عاقلی باید بداند که در این
کشور نه هرگز رژیم پدید خواهد شد که سلطنت سرنگون
شده را برای بازگشت به رأی بگذارد و نه هرگز اکثریتی
شکل خواهد گرفت که پس از کسب آزادی سیاسی و پس از
به دست آوردن حق انتخاب آزاد مقامات دولتی و حکومتی
و کل رژیم رای خود را به صندوق رژیم شاهی بریزد. پس
چرا مشروطه خواهان کماکان چنین انتخاباتی را مطرح
می‌کنند؟ به اعتقاد من آن‌ها به همان اندازه که به
آزادی‌های سیاسی مد کور نیاز دارند به همان اندازه نیز به
حریه‌ای به نام آزادی سیاسی و انتخابات آزاد نیاز دارند،
حریه‌ای که به آن‌ها می‌بایست امکان بسیج نیروی هد و
شرایط را برای تحمیل مبتنی بر قهر رژیم مطلوبشان
آماده کند. و مردم ایران، این‌ها می‌بایست دوبار بیش تر
به کشتار خویش و ویرانی کشور دست بزنند تا شاه رفته را
در جای دیکتاتوری مستقر قرار دهند. این کشور دیگر
جایی برای ویران شدن ندارد، و اگر کسی هنوز علاقه‌ای
به سرنوشت آن دارد باید دست از این ول خرجی‌های
خونین بردارد و راه‌های سبزتری را برای تأمین آزادی و
دموکراسی جستجو کند.
ایرانپور:
من می‌توانم با همه استدلال‌های شما موافق
باشم، اگر چه من، دست کم از نظر آقای دادور و شما، در
سمت راست نشسته‌ام. با این همه پرسشی دارم که شاید
شما و دادور بهتر بتوانید پاسخی برایش پیدا کنید. چرا در
حالی که شما می‌کوشید سلطنت خواهان را از تلاش خود
در تحمیل رژیم شاهی بازدارید، هم سنگران قدیم یا
کنونی شما آن کار دیگری کنید؟
دادور:
درست است، به همان اندازه که برای من طبیعی
است که هم سنگران شما را در رأس جریان‌های
سلطنت خواه ببینم، برای شما می‌بایست غیر طبیعی باشد
که چپ‌های قدیم یا جدید را در حال توهم پراکنی
پیرامون سلطنت خواهی ببینی. اما، برای ما این امر
غیر طبیعی نیست. امروز دیگر در جنبش چپ نیز هم سنگر

بدنیال توافقنامه فلسطین و اسرائیل آینده اقتصادی منطقه خود مختار فلسطین در مرکز توجه و بحث بسیاری از محافل سیاسی و اقتصادی قرار گرفته و پیش بینی های مختلفی در مورد آن صورت می گیرد. نیل هندال اقتصاد دان فلسطینی و از مشاوران کمیته های همکاری در عرصه فعالیت های کشاورزی UAWC در

استقلال فلسطین: رویا یا واقعیت؟

رسانه های گروهی هر روز از قول های مساعدی خبر می دهند که کشورها و سازمان های وام دهنده در زمینه های کمک مالی به اقتصاد مناطق اشغالی پوزیون می رانند. در بودجه اتحادیه اروپا که جندی پیش به تصویب رسیده ۹۵ میلیون مارک به عنوان کمک مالی به فلسطینی ها در نظر گرفته شده است. بر پایه اطلاعات گروه مشاوره در مورد توسعه مناطق اشغالی کشورهای وام دهنده مجموعاً در مورد اعطای ۹۷۵ میلیون مارک به اقتصاد فلسطین در خلال سال ۱۹۹۴ قول مساعد داده اند. علاوه بر آن نهادها و گروه های کارشناسی جدید برای کمک به اقتصاد فلسطین با می گیرند و مطالعات متعددی در مورد توسعه زیرساخت های مناطق اشغالی در دست بررسی است.

اماد در خود مناطق اشغالی وضع به گونه دیگری است. مقامات اسرائیلی همچنان به محاصره و منزوی سازی ساحل غربی و نوار غزه از سایر نقاط اسرائیل ادامه می دهند و فلسطینی ها را روز بروز با دشواری های اقتصادی بیشتری مواجه می سازند. این دشواری ها توان وام کانات اقتصادی مناطق اشغالی را پیوسته محدود و تضعیف ترمی سازد. متأسفانه تمهیدات و برنامه هایی که تا کنون برای مناطق فوق طرح ریزی شده اند به این دشواری هایی اعتبار نبوده و آنها را به حساب نمی آورند. خود کشورهای وام دهنده هم می دانند که بدون در نظر گرفتن واقعیت تخریب اقتصاد فلسطین توسط سیاست های اسرائیل، هیچ برنامه اقتصادی نمی تواند در این مناطق با موفقیت همراه شود.

سیاست شلاق و شیرینی

در امر توسعه اقتصادی باید از این مباحث حرکت کرد که منابع و امکانات بومی (مالی، تکنیکی، کشاورزی و پرسنلی) مورد استفاده قرار گیرد. از این رو کمک کشورهای وام دهنده زمانی سودمند خواهد بود که قبل از استفاده از وسایل و امکانات خارجی به حفظ و گسترش امکانات محلی بپردازند. اما تا کنون خبری از این حرفها نبوده است. در پنج سال گذشته، یعنی از آغاز انتفاضه، آمریکا و اسرائیل بخوبی می دانسته اند که یک قرارداد

مقاله ای آلترونیوهای ممکن برای اقتصاد مناطق اشغالی را توضیح داده و جنبه های مختلف آنها را بررسی کرده است. UAWC نهادی است که از سال ۱۹۸۶ برای هدایت و حمایت اقتصاد کشاورزی در مناطق اشغالی ایجاد شده است. هندال در دوران سازمان آزاد بخش فلسطین در جناح منتقدان یا سرعرفات قرار دارد.

صلح در خاور میانه که باید دید گاه ها و منافع آنها هماهنگ باشد تنها از رهگذر یک استراتژی دوگانه قابل حصول است. از یک سو اعمال فشارهای اقتصادی بر فلسطینی ها و از سوی دیگر طرح قول و قرارهای بزرگ و رؤیایی در باره شان اقتصاددانی که در چهارچوب یک قرارداد صلح نصیب خاور میانه (فلسطینی ها) خواهد شد. در خلال ماه های گذشته بخاطر تداوم محاصره ساحل غربی و نوار غزه و عدم اجازه ورود فلسطینی ها به دیگر مناطق اسرائیل، هر خانواده فلسطینی بخشی از درآمد های خود را از دست داده است. این امر چنان تغییری در دیدگاه و رفتار فلسطینی ها بوجود آورده که اکثر آنها اینک بیش از هر چیز به بقای فردی و کمتر از گذشته به اهداف و منافع عام و ملی می اندیشند. از آنجایی که وعده های اقتصادی فا کتور مهمی در حمایت از طرح خود مختاری به شمار می آید، هم اکنون مسائل اقتصادی به یخش عمده مذاکرات صلح خاور میانه بدل شده است.

عدم کنترل بر منابع بومی

برای اکثریت فلسطینی ها قرارداد مربوط به خود مختاری بخشی از مناطق اشغالی تا مین کننده آن اهداف سه گانه ملی که سال ها برای آنها رزمیده اند، نیست. این اهداف عبارتند از استقلال ملی، تعیین حق سرزشت و بازگشت پناهندگان و تبعیدیان. برخلاف امیدی که بعضی ها به قرارداد مذکور بسته اند، این قرارداد زمینه ساز استقلال اقتصادی فلسطین هم نخواهد شد. در بهترین حالت تنها درآمدها افزایش خواهد یافت، چرا که ایجاد محل های کار جدید با حقوق های بهتر به کلی محتمل نیست. این امر شانس خانواده های متوسط فلسطینی برای داشتن یک خانه، وسایل خانگی پیشرفته تر، حمل و نقل بهتر و مرخصی و سفرهای بیشتر را افزایش خواهد داد. اما یک دولت بدون کنترل بر منابع و امکانات بومی خود نمی تواند هیچگونه استقلال اقتصادی را پی ریزی کند. بررسی و تجزیه و تحلیل طرح فعلی قرارداد غزه - اریحا نشان می دهد اولاً دولت خود مختار فلسطینی ها در مورد مسائل اقتصادی از هیچگونه اختیار قانون گذاری

برنامه توسعه اقتصادی و سمت گیری سوسیالیستی

اندیشه

سرما به گذاری های عظیمی بوده و در دراز مدت به مرحله بازدهی می رسد. در حالی که با توجه به ضرورت باز تولید سریع سرما، گسترش تولید در کوتاه ترین زمان ممکن و حل مسئله بیکاری، مجموعاً توجه به صنایع کسب و کشاورزی را در اولویت قرار می دهد. اما اتخاذ مکانیزم فوق علیرغم بازده اقتصادی سریع آن در کوتاه مدت چنانچه منجر به استفاده از شرایط مساعد بدست آمده طی آن در زمینه بازسازی، تجهیز صنایع پایه و تقویت زیربنای اقتصادی کشور بگردد، آن را محکوم به رکود بلند مدت می کند.

هدف تدوین برنامه توسعه سوسیالیستی از اهمیت این نظام ناشی می شود و مبتنی بر تلاش جهت تأمین نیازهای روبه تزاید جامعه و تکامل همه جانبه اعضای جامعه می باشد. و این امر میسر نمی شود مگر از طریق توزیع عادلانه ارزش اضافی تولید شده توسط نیروی کار و به همین دلیل نیروهای سوسیالیست در زمره نیروهای هستند که از سوسیالیسم در حمایت از جنبش تلاش برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعت کاری می باشند و از سوی دیگر در جهت افزایش بودجه خدمات عمومی از قبیل بهداشت، درمان، آموزشی، پرورش، فرهنگ و انواع حمایت های اجتماعی حرکت می نمایند.

همانطور که گفته شد مراحل اولیه توسعه اقتصادی در جوامع در حال توسعه به درجاتی منطبق بر مرحله بورژوا دموکراتیک می باشد. در این مرحله تلاش نیروهای سوسیالیست و برنامۀ توسعه آنها برای ایجاد ساختار مختلط مالکیت بر مبنای تولید مشترک بر مالکیت خصوصی، تعاونی و دولتی به نفع انواع مالکیت اجتماعی می باشد. چگونگی مالکیت بر وسایل تولید یکی از مهمترین مباحث مطروحه در امر توسعه می باشد. مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید یکی از پایه های اساسی اقتصاد سوسیالیستی را تشکیل می دهد، مالکیت دولتی و مالکیت تعاونی از اشکال شناخته شده این نوع مالکیت می باشند. مالکیت دولتی عمدتاً از طریق ملیک بخش های دولتی قبلی، ملی کردن بخش های اقتصادی پایه ای موجود و یا با ایجاد بخش های اقتصادی جدید

بر خوردار نیست، ثانیاً اسرائیل قصد دارد کنترل مرزهای منطقه خود مختار با مصر واردن را کماکان در دست خود داشته باشد، ثالثاً دولت فلسطین باید سیاستهای اقتصادی خود را بر اساس مبانی مورد نظر اسرائیل تهیه و تنظیم کند. چهارم آنکه بانکهای فلسطینی در اراضی تحت تسلط خود اجازه اعمال هیچگونه محدودیتی برای سرمایه گذاری ها و فعالیت های اقتصادی اسرائیل را ندارد. این نکات و برخی ضعف های دیگر قرارداد زمینه ساز تداوم وابستگی اقتصاد فلسطین به اسرائیل خواهند شد.

اسرائیل و رویای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی

اسرائیلی ها همیشه در آرزوی خاور میانه ای بوده اند که منافع اقتصادی آنها را تأمین کند. در ۴۵ سال گذشته به خاطر تحریم کشورهای عربی اسرائیل قادر به توسعه بازارهای اقتصادی خویش برای تأمین مخارج تسلیحاتی خود نبوده است. بازارهای بزرگ کشورهای همسایه بر روی کالا های اسرائیلی بسته بوده اند و در بازارهای اروپا و آمریکا نیز این کالاها توانایی رقابت با محصولات غربی را نداشته اند. از این رو صنایع اسرائیلی چندان گسترش نیافته و سرمایه گذاری های خارجی نیز در آنها محدود است. این امر به وابستگی اسرائیل به کمک های خارجی را تداوم بخشیده است.

قرارداد با سازمان آزاد بخش فلسطین از نظر تل آویو باید زمینه های رونق اقتصاد اسرائیل را فراهم آورد.

اسرائیل اینک می تواند بتدریج به بازارهای جدیدی در خاور میانه، آفریقا و جنوب شرقی آسیا راه یابد. با گسترش بازار برای کالا های اسرائیلی سرمایه گذاران خارجی و داخلی به ایجاد صنایع رغبت بیشتری نشان خواهند داد. این امر سودهای بیشتری را به بار خواهد آورد و به نوبه خود سرمایه گذاری های بیشتری را موجب خواهد شد. همه اینها امیدهایی است که اسرائیلی ها به اجرای قرارداد غزه - اریحا بسته اند.

اگر اسرائیل به بازارهای خاور میانه راه یابد، به راحتی می تواند از پیشرفت ها و برتری های تکنولوژیک خود برای مغلوب ساختن محصولات بومی بهره گیرد. در این صورت سرمایه های خارجی و بویژه کشورهای نفت خیز خلیج فارس نیز سرانجام برای سرمایه گذاری در اقتصاد اسرائیل شوق خواهند شد.

در طرح های اسرائیل، مناطق اشغالی به عنوان محل سرمایه گذاری های کاربر، بازار کالا های ساده و کم کیفیت، منبع نیروی کار ارزان و گذرگاه ایده آل صدور تولیدات اسرائیلی به کشورهای عرب همسایه تلقی می شوند. بدین ترتیب اقتصاد فلسطین بخش وابسته ای از اقتصاد اسرائیل خواهد شد که باید تل آویو را در راه تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی بزرگ منطقه یاری دهد.

توسط دولت به عمل می آید و عمدتاً شامل بخش های کلیدی اقتصاد می باشند.

برنامه توسعه یک نیروی سوسیالیستی نمی تواند بدون توجه به امر دموکراسی و چگونگی درهم آمیزی آن، با امر پیشرفت اقتصادی شکل بگیرد. دموکراتیزه کردن حیات اقتصادی و اجتماعی جزئی از برنامه یک نیروی سوسیالیست می باشد. ایجاد ارگان های سیاسی صنفی کارگران یا حمایت از ارگان های موجود، اعمال مدیریت دموکراتیک بر بخش های کلیدی اقتصاد بخشی از مقولات دموکراتیک مندرج در برنامه می باشند که علاوه بر سایر مقولات دموکراتیک نظیر، جمع بندی و خواهی، پارلماناریسم، پلورالیسم و... در این مرحله مورد تأکید می باشند. اما باید توجه بود که مبارزه در راه دموکراسی علیرغم نزدیکی به مبارزه در راه سوسیالیسم نافی و جانشین آن نیست در حالی که دموکراسی یکی از ارکان اساسی سوسیالیسم می باشد.

توسعه اقتصادی نوین در کشورهای پیشرفته با مرحله ای جدید از انقلابات علمی و فنی، کشف و استفاده از انرژی اتمی، اکتشافات فضایی، کاربرد وسیع علوم مختلف بخصوص علم شیمی در تولید، استخراج منابع طبیعی و استفاده غیر منطقی از آن و غیره انطباق داشته است. مجموعه این عوامل تا نثیرات مخرب بر شرایط زیستی انسان ها داشته و موجبات انهدام، آلودگی و تخریب بخش وسیعی از محیط زیست و دگرگونی شرایط طبیعی را فراهم آورده است، انواع مختلفی از جانوران و گیاهان را نابود کرده، جنگل ها را از بین برده، خاک را فرسوده نموده، رودخانه ها را آلوده و غیر قابل استفاده کرده، با تولید انواع گازهای خطرناک جو محاط بر کره زمین را دچار ضایعات جبران ناپذیر نموده، زباله ها و نشتیهای خطرناک اتمی را در سطح کره زمین پراکنده کرده و بدین وسیله زندگی طبیعی انسان ها را مورد خطر قرار داده است. شرایط نوین برای نخستین بار این سؤال را پیش آورده است که آیا توسعه صنعتی با توجه به مضایب زیستی آن دارای این ارزش بوده است؟

حال دیگر نیروهای سوسیالیست نمی توانند از برنامه توسعه ای سخن بگویند که در آن پیش بینی های لازم در مورد حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی های آن به عمل نیامده باشد.

بحران ساختاری سرمایه داری، خصومت های قومی و مذهبی، اهداف غارتگرانه اقتصادی و... قرن

فقدان کمک های توسعه مردمی

طرح های بین المللی فعلی برای توسعه اقتصاد فلسطین نیز بیش از هر چیز در خدمت اهداف اقتصادی اسرائیل قرار دارند. بر طبق این طرح ها زیر ساخت های اقتصادی مناطق اشغالی باید در وهله اول چنان پی ریزی شود که سهولت سرمایه گذاری های خارجی و توسعه اقتصاد و تولیدات بومی را ممکن سازد.

بانک جهانی در این رابطه نقش اساسی را بازی می کند، چرا که اعطای وام ها و کمک های مالی به از طریق قرارداد های دو جانبه میان فلسطینی ها و کشورهای نهاد های وام دهنده، بلکه یاد خالت و واسطه بانک مذکور انجام می گیرد. این بانک در دوران گذار تا نیرو نفوذ فوق العاده ای بر سیاست های اقتصادی دولت فلسطین خواهد داشت و به عنوان مثال می تواند در امری همچون سیاست های مالی و پولی، تقویت تجارت خارجی، تعیین مالیات ها، تنظیم و ارائه سوسید ها، میزان سود بانکی و... قویاً دخالت ورزد. این دخالت ها توسعه اقتصادی فلسطین را به راهی خواهد برد که تأمین گمنافع سیاسی و اقتصادی کشورهای بی باشد که در بانک جهانی حرف آخر می زنند.

پس از دوره پنج ساله گذار، بانک جهانی با طلب های چندین میلیاردی خود عملاً به یکی از طرف های مذاکره بر سر ساختار جدید دولت اقتصاد فلسطین بدل خواهد شد.

اما اگر فلسطینی ها اختیار عقد قرارداد های دو جانبه با کشورهای مراکز وام دهنده را داشته باشند، مسئله صورت دیگری به خود خواهد گرفت. در چنین حالتی آنها با وام دهندگان متعددی وارد مذاکره شده و نزد هر کدام از آنها به میزانی به همکار می شوند که راه دخالت و تأثیر گذاری ناچسب آنها بر سیاست های دولت فلسطین گشوده نشود. بدین ترتیب فلسطینی ها قادر خواهند بود اولویت های اقتصادی کشور را خود تعیین کرده و از دخالت گسترده خارجی در این امر جلوگیری کنند. در چنین وضعی دولت فلسطین می تواند بدون گردن نهادن به فشار خارجی به حمایت از کشاورزان بومی و کارگاه های کوچک تولیدی بپردازد و به رشد کشاورزی و صنعت بومی یاری رساند.

اوضاع اقتصادی در مناطق اشغالی پیوسته در حال وخیم تر شدن است. با این همه طرح هایی برای توسعه از پایین که بوسیله آنها بتوان مردم را در راه بازسازی اقتصادی یاری بخشید، وجود ندارد. از این رو اینک حداقل این سؤال مطرح است که آیا در برنامه ریزی های فعلی سود منتهی فلسطینی ها هم مطرح است یا بصحت از توسعه فلسطین تنها سرپوشی برای سودها و منافع آتی طرف های دیگر قرارداد است؟ اگر پاسخ سؤال دوم مثبت باشد، آنگاه فلسطینی ها تنها نقش تأمین کننده نیروی کار ارزان را بعهده خواهند داشت.

سیستم را به قرن جنگ ها و خون ریزی های بی سابقه در تاریخ تبدیل نموده است. برای اولین بار در این قرن از بمب های اتمی جهت جنگ و کشتار آدم ها استفاده شد و در حال حاضر ده ها قدرت کوچک و بزرگ اتمی هر لحظه توان نابود کردن بخشی از کره زمین را دارند. روزی نیست که در گوشه ای از جهان اهداف و منابع غارتگرانه کسرن های تسلیحاتی آتش جنگی را بر نیروزد و به نحو جبران ناپذیری ثروت و منابع پایان یافتنی طبیعی را به هدر ندهند. تحمیل شرایط جنگی اعم از سرد یا گرم به کشورهای در حال توسعه موجب رشد نهاد های نظامی، افزایش هزینه های تسلیحاتی دفاعی گردیده و موانع جدی در روند بازسازی کشور ایجاد می نماید. برنامه توسعه اقتصادی یک نیروی سوسیالیست به عنوان نیروی مدافع صلح باید حتماً راه توسعه سرمایه تسلیحاتی و نظامی گری در اقتصاد را مسدود نماید.

جهان تغییرات کیفی مهمی را در زمینه های اقتصادی پشت سر گذاشته است. این تغییرات بر تراکم و تمرکز عظیم و بین المللی سرمایه و رشد خارق العاده و کیفی نیروهای مولد قرار دارد. شکل بندی اتحادیه های اقتصادی و اقتصادی سیاسی در سطح جهانی، ادغام اقتصاد کشورهای در اقتصاد منطقه ای یا جهانی از طریق اتحادیه های فراملی شرایطی را پیش آورده است که دیگر نمی توان از توسعه اقتصادی یک کشور مشخص بدون توجه به شرایط جهانی سخن گفت. از طرف دیگر کشورهای در حال توسعه در شرایطی نیستند که به تنهایی بتوانند رشته های اقتصادی مدرن و صنایع مورد نیاز کشور را توسعه بخشند و تا چاره انواع همکاری های اقتصادی با سایر کشورها می باشند. این مسئله کشورهای در حال توسعه را در مقابل این سؤال اساسی قرار می دهد که میزان استقلال اقتصادی آن در مقابل رشد اقتصاد معطوف به خارج تا چه مقدار می باشد. آنچه را که در مورد اقتصاد معطوف به خارج باید یاد آور شد تفاوت آن با اقتصاد معطوف به صادرات می باشد. هر چند صادرات می تواند جزئی از آن باشد. اقتصاد معطوف به خارج بر اساس منافع سرمایه بزرگ انحصاری سازمان داده شده و در سطح ملی منجر به ناهنجاری و ناموزونی اقتصاد ملی می گردد. برنامه توسعه اقتصادی یک نیروی سوسیالیست باید در جهت سازمان دادن اقتصاد مستقل ملی بر اساس منافع ملی و ایجاد روابط برابر حقوقی اقتصادی با سایر کشورهای تنظیم گردد.

روسیه: اصلاح طلبان تندرو، دولت تازه را تحریم کردند

یگور حیدر معاون نخست وزیر و باریس فیودوروف وزیر دارایی روسیه اعلام کردند در کابینه جدید شرکت نخواهند کرد. حیدر که به عنوان معمار اصلاحات حکومت یلتسین شناخته شده بود، روز ۲۶ دیماه اعلام کرد بلوک "انتخاب روسیه" به رهبری وی، از دولت روسیه کناره گیری می کند. کناره گیری حیدر، به عنوان آشکار شدن انشقاق میان جناح موسوم به اصلاح طلبان رادیکال و اصلاح طلبان میانه رویه رهبری ویکتور چرنومیردین نخست وزیر تلقی گردید. حیدر سرسخت ترین و معروف ترین مدافع گذار سریع اقتصاد به اقتصاد بازار است. وی پیشنهاد چرنومیردین برای حفظ سمت معاونت نخست وزیر را رد کرد. چرنومیردین، این پیشنهاد را تحت فشار یلتسین داده بود.

کناره گیری "انتخاب روسیه" از دولت، برای باریس یلتسین مشکلات زیادی ایجاد خواهد کرد زیرا این گروه بعنوان نزدیکترین فراکسیون پارلمانی به یلتسین شناخته شده است. یلتسین روز ۲۷ دیماه استعفای یگور حیدر را پذیرفت. یلتسین ضمن ابراز تظاهر نسبت به دلایل حیدر برای استعفا، اظهار داشت مثنی اصلاحات ادامه خواهد یافت. حیدر در استعفای خود، به اختلافات در سیاست اقتصادی اشاره کرده بود.

"انتخاب روسیه" در بیانیه ای از رهبری روسیه به شدت انتقاد کرد. در این بیانیه آمده است حکومت روسیه برخلاف تعهدات لفظی خود، از تثبیت سیاست اصلاحات فاصله هرچه بیشتری می گیرد. بیانیه می افزاید با توجه به این امر، استعفای حیدر تنها اقدام درست ممکن بود.

به گزارش خبرگزاری ایتر-تاس، یلتسین در بیانیه خود گفته است "اصلاح عمیق و دموکراتیک جامعه روسیه، اقتصاد و نهادهای سیاسی آن ادامه خواهد یافت. یلتسین از حیدر به خاطر آنچه که

جسارت در اجرای اصلاحات اقتصادی نماید، تقدیر کرد و افزود استدلال و انگیزه هایی که حیدر را بر آن داشته است که استعفا کند، درک می کند. حیدر در بیانیه خود از سیاست های تخصیص بودجه دولت انتقاد کرده و خاطر نشان ساخته بود تضمینی برای به کرسی نشاندن اصلاحات ندارد.

"انتخاب روسیه" در اعلامیه ای که در پارلمان خوانده شد، اشاره کرده است "تصمیمات اقتصادی خطرناکی که می تواند منجر به بی ثباتی سیاسی گردد در پیش است. این اعلامیه می افزاید تصمیمات مزبور قرار است بدون توافق با جناح "اصلاح طلب" دولت اتخاذ شود، و از این رو استعفای دوزیر کابینه که عضو "انتخاب روسیه" است، علاوه بر حیدر که معاونت اول نخست وزیر و وزارت اقتصاد را بر عهده داشت، باریس فیودوروف وزیر دارایی نیز روز ۲۸ دیماه اعلام کرد در کابینه جدید شرکت نخواهد کرد. یک روز قبل از آن، چرنومیردین نخست وزیر سمت وزارت دارایی را به فیودوروف پیشنهاد کرده بود، بدون اینکه آزوی برای حفظ سمت فعلی اش به عنوان معاون نخست وزیر دعوت کند. فیودوروف ماندن خود را در دولت، منوط به برکناری ویکتور گراشچنکو رئیس بانک مرکزی و الکساندر ساوروخا معاون نخست وزیر کرده بود. همچنین الا پامفیلووا وزیر امور اجتماعی نیز همراه با حیدر و فیودوروف استعفا داد و این اقدام خود را گامی از سر نو میدی خواند.

با استعفای سه وزیر عضو "انتخاب روسیه"، از این بلوک تنها آنا تولی، چوبایس وزیر امور خصوصی سازی در دولت باقی مانده است. چرنومیردین نخست وزیر روسیه یک روز قبل از معرفی کابینه جدید خود، در برابر انتقادات اصلاح طلبان رادیکال گفت: دوران شیفتگی به اقتصاد و بازار آزاد همکاری سازنده ای داشته باشد.



در زلزله ای به قدرت ۶.۶ ریشتر، بخش بزرگی از جنوب ایالت کالیفرنیا آمریکا، از جمله شهر لوس آنجلس، صدمه دید. طبق آمار رسمی، بیش از ۵۰ نفر کشته و ۱۵ هزار نفر بی خانمان شدند. خسارات وارده، هفت میلیارد دلار برآورد می شود. گزارشهای اولیه حاکی از مجروح شدن بیش از ۳۰ تن از هموطنان ایرانی در جریان این حادثه است. عکس پل مستقر بر یکی از بزرگراههای لوس آنجلس را نشان می دهد که از میان به دو نیم شده است.

ناتو، مصالح غرب و انتظارات اروپای شرقی

جمهوری روسیه که تا پیش از به توپ بستن پارلمان، لهستان و چک به ناتو می دهد، با قول قرارهایی که برای انحلال پارلمان و حمله به آن به رهبران ارتش داد، اینک غرب را از هر گونه گسترش قلمرو نفوذ ناتو بر حذر داشته و عضویت کشورهای فوق را خطری برای مرزهای شرقی خود تلقی می کند.

هم موضع روسیه و هم عدم تبدیل سریع کشورهای سابق بلوک شرق به بازارها و پایگاه های اقتصادی باید اروپا رونق، غرب را در تعمیم مرزهای ناتو و پذیرش تعهد در حفظ امنیت در اروپای شرقی دچار شک و تردید ساخته است. علاوه بر آن به نظر برخی محافل سیاسی با معطوف شدن بیشتر توجه آمریکا به آسیا، آمریکای لاتین و حوزه اقیانوس آرام، این کشور در محاسبات سیاسی و اقتصادی خود نقش سابق را برای اروپا قائل نیست و لذا به پذیرفتن مسئولیت های بیشتر در این قاره چندان راغب نمی باشد.

همه این مسائل آمریکا را آوا داشته که بجای پذیرفتن تقاضای عضویت کشورهای اروپای شرقی در ناتو، طرح همکاری برای صلح را به آنها پیشنهاد کند. این طرح تنها مشاوره ها و کمک های نظامی را شامل می شود و به معنای پیمان دفاعی دو جانبه نیست.

محافل فوق همچنین بر آنند که حفظ صلح در اروپا را بیش از همه باید به عهده سازمانهایی همچون اتحادیه اروپا و سازمان همکاری و امنیت اروپا واگذار کرد.

مدافعان تداوم موجودیت ناتو که هسته اصلی آن را احزاب دست راستی و صاحبان صنایع نظامی و تسلیحاتی غرب تشکیل می دهند، وجود ناتو را برای مقابله با تهدید که در آینده امنیت اروپا را تهدید کند، ضروری می دانند. این محافل معتقدند که تحولات در اروپای شرقی و روسیه تثبیت شده نیستند و هر آن ممکن است خطر جدی غرب را تهدید کند. برخی از این محافل با صراحت بیشتری دفاع از منافع غرب در نقاط مهم و استراتژیک در هر نقطه از جهان را نیز جزئی از وظایف ناتو و لذا از ضرورت های حفظ آن تلقی می کنند.

سوالی که بیش از همه اجلاس اخیر را به خود مشغول داشت، تقاضای عضویت لهستان، مجارستان، جمهوری چک و لیتوانی در ناتو است. کشورهای مذکور با اشاره به نیرو گرفتن حزب فاشیستی و لادیمیر ژیرونوفسکی در انتخابات اخیر روسیه و بزرگ کردن خطر قبضه قدرت توسط این نیرو در مسکو، بر پذیرش هرچه سریعتر عضویت خود در ناتو فشار می کنند.

در این حال یلتسین رئیس

روز دم ژانویه سران کشورهای عضو ناتو در بروکسل گرو آمدند تا آینده این سازمان و چگونگی تداوم حیات آن را مورد بررسی قرار دهند.

با فروپاشی بلوک شرق و انحلال پیمان ورشو، بحث پیرامون ادامه موجودیت ناتو و آینده آن نیز بالا گرفته است. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) یا سازمان همکاری نظامی آمریکا و بخشی از کشورهای اروپایی در دوران آغاز جنگ سرد و به عنوان اهرمی برای مقابله و فشار بر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سابق پدید آمد. چندی بعد این کشورها نیز در برابر سازمان پیمان ورشو را پایه گذاری کردند و بدین ترتیب سرنوشت اروپا به توازن قوای این دو سازمان وابسته شد.

با انحلال پیمان ورشو، بسیاری از محافل و احزاب سیاسی اروپا مسئله انحلال ناتو را هم پیش کشیده اند. استدلال آنها این است که این سازمان در برابر یک دشمن قوی پدید آمد و اینک با از بین رفتن آن دشمن، ضرورت وجودی آن دیگر منتفی شده است. به نظر این محافل ناتو در دو ساله گذشته داخلی پرگوسلاوی می گذرد، عملاً هیچ نقش کارساز و بازدارنده ای نداشته و لذا اینک تکیه بر این دلیل که این سازمان قادر به تامین در امنیت اروپاست، دیگر قانع کننده نیست.

سرخ پوستان ...

ادامه از صفحه ۱۲

بمب گذاری، نقاط مختلف مکزیک را فرا گرفته است.

به دنبال تمرکز حدود ۱۲۰۰۰ سرباز دولتی برای سرکوب سرخپوستان، چریکها به مناطق کوهستانی و جنگلی عقب نشینی کرده اند. مقامات مکزیک مدعی اند رهبری قیام سرخپوستان را

می توان از سهم ناچیز او بطور کلی ازبیکها در قدرت مرکزی و از عدم حمایت ربانی آزوی در مبارزه اش با نیروهای سیاف و تاجیکها در شمال افغانستان نام برد.

گلبدین نیز که از دیرباز برای دستیابی به هدفش، استفاده از هر وسیله ای را موجه می داند، ائتلاف موقت با دوستم "ملیحد" را مجاز شمرده است. او قبلاً هم ائتلاف خود را در این گونه مسائل با ائتلاف بازنرال تنی عضو رهبری حزب دموکراتیک افغانستان برای سرنگونی حکومت دکتر نجیب الله نشان داده بود.

آنچه را که در عین حال در حوادث افغانستان نباید از نظر دور داشت تأثیر عوامل خارجی بر روی اوضاع داخلی این کشور است. با

ادامه جنگ و ...

ادامه از صفحه ۱۲

گروههای افغانی و کشورهای همسایه شده است و سازمان ملل نیز قول داده است که در تثبیت حاکمیت مورد توافق و سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی کشور بکوشد.

شواهد نشان می دهد خروج از بحرانی که جنگ فراگیری را به مردم افغانستان تحمیل کرده است بنسنگی میسر نیست. انبوهی از تضادهای قومی، مذهبی و ایدئولوژیک و همچنین قدرت طلبی و مال دوستی رهبران گروههای مختلف افغانی علل و انگیزه های جنگ ویرانگر در این کشور است.

در جستجوی علل نزدیک و دوسم به دشمن دیرینه اش گلبدین

با اینکه در هفته های اخیر، از شدت نبرد در مرکز یک کاسته شده است، نیروهای مسلح این کشور خود را برای یک جنگ چند ماهه با چریکها آماده می کنند. مقامات مکزیک گفته اند سرکوب کامل قیام سرخپوستان، شش ماه به طول خواهد انجامید. به گفته این مقامات، مه وریش شدید باران تا کنون مانع از بکارگیری هواپیماهای جنگی علیه سرخپوستان شده است.

مهمینی قدرت و پیروزی هم چون وسیله رسیدن به هدف های نیک خیر هستند، اما اگر خود به هدف تبدیل شوند، شراند.

ایرانپور: شاید سیاست خود شر باشد!

دادور: سیاست با مفهومی که شما در نظر دارید بدون شاید شر است!

مهمینی: مبارزه با این شر هم خود یک گونه سیاست است. شاید بتوان گفت که سیاست غیر انسانی ترین پدیده اجتماعی است که می بایست انسانی شود.

ادامه دارد

ایرانپور: چون کار آن ها فرصت سوزی است و نه فرصت طلبی! پورانخت: ارزیابی ها به افراد و به جریان های سیاسی بستگی می یابد.

مهمینی: در پایان این بخش از گفتگو اندیشناک آن معیارهایی هستم که می بایست همه ارزیابی ها سرانجام با آن ها سنجیده شوند.

ایرانپور: قدرت و برد، در جهان سیاست معیار معیارها این است.

پورانخت: فراموش نکنید که این گفته "ولا دیمیر ایلچ است که ده ها سال چپ ها اورا می ستودند، و نه گفته" ماکیاول.

دادور: سیاست به سبک شما جز این نمی تواند باشد!

ایرانپور: ببینید، برابر سیاست و دیدگاه چپ در گذشته فرصت طلبی که اپورتونیزم نامیده می شد، دست کم در تئوری یک انحراف و خطای بسیار جدی ارزیابی می شد، در حالی که سیاست چیزی نیست جز هدف هایی که به شکل فرصت طلبانه باید به آن ها رسید. لوطی گری در عالم سیاست بی سیاستی کامل است.

دادور: ما صدها سال پیش از آن که ما کیاول کتابی برای شهریاران بنویسد، فلسفه و راه خود را از او جدا کردیم. و اما، شما که این گونه پیرو فلسفه فرصت هستید، چرا به کار آن گروه از چپ ها که با سلطنت خواهان هم دم می می کنند خنده می گیرید؟

دادور: سیاست جز این نمی تواند باشد دوست من!

ادامه از صفحه ۸

مفهوم خیلی پیش تر از همان "هم سنگری" که در جبهه جنگ و مبارزه روزمره هست، ندارد. در جنبش های "چپ" دیگر هم سازمان و هم حزب بودن به مفهوم هم آرمان و هم ریشه و هم دل بودن نیست. حزب ها پدیده هایی هستند در چارچوب متحدترین مفهوم هم کاری سیاسی، و آن چه هم آرمانی و هم پیوندی ایدئولوژیک نامیده می شود، در چارچوب شبکه های پیچیده تری از ارتباطات انسانی جریان دارد.

ایرانپور: سیاست جز این نمی تواند باشد دوست من!

جنگ و ویرانی در افغانستان ادامه دارد

دیدار کلینتون و اسد در ژنو

بلندی های جولان را به طور غیرقانونی بخشی از خاک خود اعلام کرد. در این منطقه، ۳۳ شهرک یهودی نشین با ۱۲ هزار نفر سکنه بنا شده است. به دنبال انتشار گزارشهای مبنی بر احتمال حصول توافق درباره جولان، گروهی از ساکنان این شهر که علیه عقب نشینی اسرائیل از جولان دست به تظاهرات زدند.

واکنش اسرائیل در قبال دیدار کلینتون و اسد در ژنو، احتیاط آمیز بود. اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل پس از ورود دو مقام آمریکایی به اسرائیل برای ارائه گزارش اجلاس ژنو، اظهار داشت ارزیابی از مذاکرات ژنو، تنها پس از مطالعه دقیق محتوای گفتگوها امکان پذیر خواهد بود.

مرد خای گور معاون وزارت دفاع اسرائیل روز ۲۷ دیماه در پارلمان این کشور اعلام کرد عقب نشینی گسترده از بلندی های جولان به رای مردم گذاشته خواهد شد. معاون وزارت دفاع اسرائیل، عقب نشینی از جولان را محتمل دانست و افزود اسرائیل به قدر کافی نیرومند هست که پذیرای یک ریسک قابل محاسبه شود. مرد خای گور تأکید کرد که به نمایندگی از سوی رابین سخن می گوید.

هفته گذشته بدنال یک هفته وقفه در مذاکرات اسرائیل و فلسطینی ها بر سر نحوه اجرای موافقت نامه خودمختاری غزه- اریحا، و طرف یار دیگر در بندر مصری طایا واقع در کرانه دریای سرخ، به گفتگو نشستند. نماینده فلسطین اظهار داشت بازگشت قریب الوقوع سوریه به میز مذاکرات، تکان جدیدی به روند صلح خواهد داد. اختلافات اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به وسعت منطقه خودمختار اریحا و جغونگی کنترل مرزهای مناطق خودمختار با کشورهای عربی باز می گردد. در حالیکه در آستانه دور جدید گفتگوها، نمایندگان فلسطینی از احتمال دستیابی به توافق طرف سه هفته سخن گفتند، اسرائیلی ها می گویند مذاکرات ممکن است ماه ها به طول انجامد.

بیل کلینتون و حافظ اسد رؤسای جمهور آمریکا و سوریه روز ۲۶ دیماه در ژنو دیدار کردند. پس از این دیدار اعلام شد دو طرف در حدود پشیدروند صلح در خاور میانه اند. ملاقات کلینتون و اسد پنج ساعت، یعنی دو برابر مدت پیش بینی شده، به طول انجامید. رؤسای جمهور دو کشور در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک که پس از مذاکراتشان برگزارد شد، گفتند که در خاور میانه باید راه حل جامعی یافته شود که منافع همه طرفهای ذینفع را تأمین کند. کلینتون گفت اسد اعلام آمادگی کرده است در صورت انعقاد صلح با اسرائیل، مرزهای باز، تجارت آزاد و مناسبات دیپلماتیک را بپذیرد. اسد خاطر نشان کرد موافقتنامه های جداگانه و ویژه، به صلح پایدار در منطقه نخواهد انجامید. رئیس جمهور سوریه، ایالات متحده را یک "میانجی صادق" خواند.

به گفته کلینتون، در دیدار ژنو یک ساعت پیرامون گروه های تروریستی مذاکره شد که به ادعای آمریکا مورد حمایت سوریه اند. جزئیات این مذاکرات اعلام نگردید. کلینتون و اسد، وزرای خارجه خود را مأمور تدوین اصول توافق های آتی کردند. هدف اصلی ملاقات دورنشین جمهوری، خارج کردن مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل از بن بست بود. اختلاف اصلی سوریه و اسرائیل بر سر بلندی های جولان است که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به اشغال خود در آورد و سوریه خواهان پس گرفتن آنهاست. یک روز قبل از دیدار ژنو، یک وزیر اسرائیلی برای نخستین بار گفت کشورش باید در صورت موافقت سوریه با صلح همه جانبه، آماده عقب نشینی کامل از بلندی های جولان باشد.

روزنامه الشوره ارگان دولت سوریه یک روز قبل از اجلاس ژنو نوشت این نشست می تواند بن بست گفتگوهای سوریه و اسرائیل را بشکند. با این حال، همین روزنامه هشدار داد در صورت عدم غلبه بر مقاومت اسرائیل در برابر عقب نشینی از جولان، روند صلح می تواند به شکست بیانجامد.

اسرائیل در سال ۱۹۸۱ سرخپوستان مکزیک زمین و عدالت می خواهند بنا بر یک گزارش خبرگزاری رویترز مکزیک، حدود یک پنجم ارتش مکزیک، به همراه بیست افکن ها از هوا و زمین، امروز پس از شورش، مناطق شورش را اشغال کردند. این حمله ۹۵ کشته به جا گذاشت. یک روزنامه شهر مکزیکوسیتی شمار کشته شدگان را ۴۰۰ نفر تخمین زد. بدنال سرکوب شدید و خشن قیام سرخپوستان توسط نیروهای دولتی هزاران نفر از مردم در مکزیکوسیتی و سایر شهرهای این کشور علیه سیاست دولت در قبال سرخپوستان جنوب مکزیک دست به تظاهرات زدند. در تظاهراتی که در برابر ساختمان وزارت کشور مکزیک برگزار شد، مردم با فریادهای "قاتل ها" و "به نسل کشی در جیب پاس پایان دهید!" خشم خود را نسبت به سرکوبگری دولت مکزیک نشان دادند. همچنین موجی از ادامه در صفحه ۱۱

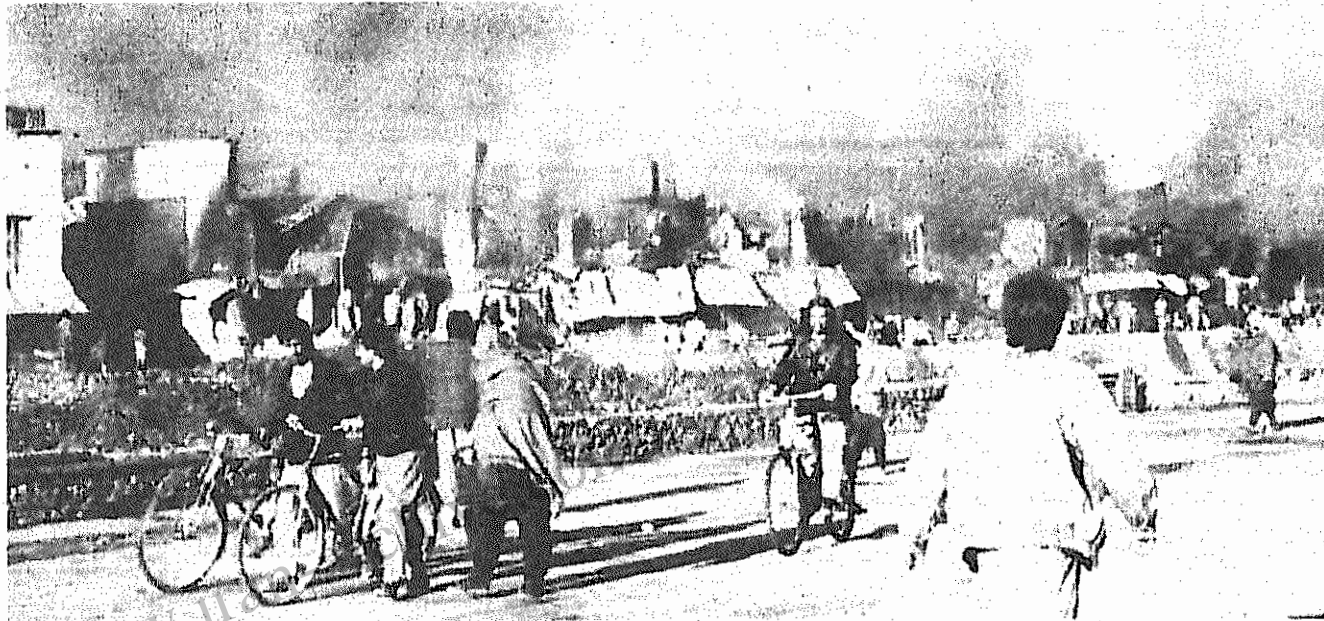
کابل پایتخت ویران شده و تقریباً از سکنه خالی شده دفاع می کنند. میانجیگری های سازمان ملل متحد و نمایندگان سیاسی دولتهای هند، پاکستان، عربستان سعودی و ایران تاکنون ره به جایی نبرده و پیشنهاد ربانی برای تشکیل یک شورای ۷ نفره از افراد صاحب نفوذ افغانستان برای حل بحران موجود با مخالفت گلبدین حکمتیار مواجه شده است.

پاکستان خواهان تشکیل یک کنفرانس منطقه ای با شرکت ادامه در صفحه ۱۱

دموکراتیک خلق افغانستان، بر خوردار است، استعفای ربانی و تشکیل اجلاس رهبران جهادی برای تعیین دولت موقت جهت آماده سازی زمینه ای انتخابات در افغانستان را خواستار شده است. از سوی دیگر برهان الدین ربانی رئیس جمهور با از پایتخت بیرون نگذاشته ای افغانستان (رهبر حزب جمعیت اسلامی) اعلام جهاد کرده و به همراهی احمد شاه مسعود وزیر دفاع پیشین و فرمانده ۴۰ هزار نیروی نظامی تاجیک و عبدالرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان از

اسلامی افغانستان) یک نیروی ۱۲۰ هزار نفری ازبک که با پشت کردن به دکتر نجیب الله، زمینه ای سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان را فراهم کرد، حمله به کابل را از سه نقطه آغاز نمود. این ائتلاف ناهمگن که بعداً شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی افغانستان نام گرفت و از حمایت صبغت الله مجددی، نخستین رئیس دولت افغانستان پس از سقوط نجیب الله (رهبر جبهه نجات ملی اسلامی) و همچنین احتمالاً جناحهایی از قبایلی حزب

جنگ خانمانسوزی که از سحرگاه اول ژانویه سال جاری میلادی در کشور همسایه ما افغانستان آغاز شده است، همچنان بشدت ادامه دارد. بر اساس برآوردهایی که شده است در این دور از درگیریها تا کنون قریب هشت هزار نفر کشته، دهها هزار تن زخمی و یک میلیون نفر آواره شده اند. در ۱۱ ماه ائتلاف تازه شکل گرفته ای از گلبدین حکمتیار نخست وزیر سابق به پایتخت نگذاشته ای افغانستان (رهبر حزب اسلامی افغانستان) و ژنرال رشید دوستم (رهبر جنبش ملی



گروههای رقیب مجاهدین در جنگ قدرتی خونین کابل را به آتش کشیده اند

دریمن چه می گذرد؟

خطر جنگ داخلی منتفی نیست

اقتصادی شدیدی به سر می برد. یمن با جمعیت ۱۴ میلیونی خود بر خلاف کشورهای همسایه اش از منابع نفتی چندانی برخوردار نیست و صحرای نفت خیز آن نیز پیوسته مورد دعوی عربستان سعودی بوده است. تا پیش از جنگ آمریکا با عراق، مهاجرت اهالی و کار آنها در عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس یکی از منابع تأمین ارز کشور بود. اما با موضعگیری بیطرفانه یمن در جنگ مذکور عدم حمایت آن از شیخ نشینها، این کشورها ۱/۵ میلیون کارگر یمنی را اخراج کرده و بدینسان اقتصاد یمن از درآمد سالانه ای معادل ۱/۵ میلیارد دلار محروم ماند. عدم وجود کار برای کارگران رانده شده اینک بارگران دیگری بر بحران اقتصادی یمن افزوده است. این عوامل در کنار بدهی ۸/۵ میلیارد دلاری یمن به خارج و نیز تورم سرسام آور، زندگی را چنان بر مردم تنگ کرده، که اواسط دیماه جاری به تظاهرات گسترده آنها در شمال و جنوب یمن منجر شد.

بحران سیاسی و اقتصادی یمن می تواند تجربه نسبتاً موفقی روند دموکراتیک و انتخابات پارلمانی در این کشور که نفرت و خشم شیخ نشینها همسایه را برانگیخته با شکست مواجه سازد و شرایط ضعف کشور، همسایه ای همچون عربستان سعودی را که همیشه نسبت به بخشهایی از زمین ادعای ارضی داشته است به تهاجم و دست اندازی به خاک این کشور ترغیب کند.

از نقش مذمب در حیات سیاسی که رهبران چپ گرای یمن جنوبی در دوران زمانمداری خود متحقق کرده بودند نیز چندان مطلوب نظام سیاسی یمن شمالی نیست. این عوامل در کنار ناخشنودی رهبران عدل از قدرت زیاد رئیس جمهور (علی عبدالله صالح از شمال) در ساختار سیاسی کشور و انحصار طلبی حزب کنگره عمومی خلق (شمال) و نیز انجام چندین سو قصد به جان رهبران حزب سوسیالیست یمن جنوبی، با انتخابات اردیبهشت سال جاری به انشقاق و جدایی کامل میان رهبران شمال و جنوب منجر شده و ترک صنعا از سوی علی سائیم البیض (رهبر حزب سوسیالیست یمن جنوبی) و اقامت وی در عدن (پایتخت سابق یمن جنوبی) انجامید. بدین ترتیب یمن از اوایل تابستان سال جاری عملاً به دو بخش تقسیم شده و رهبران هر دو قسمت بنان دوران پیش از وحدت، بر قلمرو تحت نفوذ خود حکومت می کنند.

به گفته البیض رهبر حزب سوسیالیست یمن، اختلافات تنها ناشی از اختلافات فرهنگی نیست و اختلافات در مورد برنامه های اقتصادی نیز وجود دارد. حزب سوسیالیست و رهبران بخش شمالی دغدغه ای در این مورد ندارند. این اختلاف ادامه اختلاف در سیستم های اقتصادی - اجتماعی گذشته دو بخش شمال و جنوب است. بحران سیاسی یمن هنگامی اوج گرفته است که کشور در بحران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی را تجربه کرده اند. یمن جنوبی به هدف خود را سمت گیری سوسیالیستی اعلام کرد و یمن شمالی در چهارچوب "دنیای آزاد باقی ماند. با تحولاتی که در سالهای پایانی دهه پیش در اروپای شرقی و اتحاد شوروی اتفاق افتاد، اندیشه وحدت دو یمن نیز در میان رهبران سیاسی این دو کشور قوت بیشتری گرفت و طی یک روند شتابان و شگفت انگیز روز اول خرداد ۱۳۶۹، یمن دوباره یکپارچگی خود را باز یافت.

در روند وحدت دو یمن رهبران یمن شمالی بخاطر کثرت بیشتر جمعیت این کشور در ارگانهای قدرت دست بالا را پیدا کردند، امری که با توجه به حضور جدی تر منافع ایلی و قبیله ای در شمال چندان مطلوب رهبران یمن جنوبی نبود. علاوه بر آن ارتش دو کشور تقریباً جدا و غیر ادغام شده باقی مانده و بیول هر دو کشور (ریال در یمن شمالی و دینار در یمن جنوبی) همچنان در کنار هم رایج هستند. برخی از آزادیها و حقوق دموکراتیک همچون آزادی بیشتر زنان و کاستن

با حمله یک هواپیمای جنگی یمن جنوبی در روز دوشنبه ۲۷ دی به یک پایگاه نظامی واقع در یمن شمالی بحران سیاسی در یمن ایجاد و سبتری به خود گرفت. فرمانده قرارگاهی که هواپیمای آن برخاسته بود، فوراً خبر حمله را تکذیب کرد و یک روز بعد رادیو عدن از توافقنامه ای خبر داد که بر اساس آن از قدرت رئیس جمهوری به نفع شورای ریاست جمهوری کاسته شده و رابطه ایالات و استانیهای کشور با صنعا (پایتخت یمن متحد) بر اساس عدم تمرکز و اختیارات ویژه تنظیم خواهد شد. رادیو صنعا از این توافق نامه که رهبران یمن جنوبی بعنوان حلال از آن یاد می کنند، هنوز سخنی نگفته است و لذا موضع رهبران یمن شمالی در مورد آن مبهم است. آخرین گزارشهای حاکی از آن است که رئیس جمهور یمن نیز ظاهراً موافقت خود را با این توافقنامه اعلام کرده است. اما علیرغم گزارشهای واصله در مورد حصول توافق، بحران در این کشور پایان نیافته است و ارتشهای جنوب و شمال همچنان در برابر هم صف آرایی کرده اند و خطر درگیری و جنگ بین آنها منتفی نیست.

ریشه های بحران در این کشور عربی به عوامل بسیار زیادی باز می گردد. یمن در سال ۱۹۳۲ به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد و جنوب آن تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت. از آن پس دو کشور روندهای سیاسی مستقل و جداگانه ای طی کرده و سیستم های